

دیده‌پراه

رصد دیدگاه‌ها و راهبردهای اندیشمندان
مسائل فرهنگی و اجتماعی

دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی

گزارش شماره ۱ | تاریخ انتشار: خردادماه ۱۴۰۱

انتشار محدود (ویژه مدیران فرهنگی جهاد دانشگاهی سراسر کشور)

— ୧୫୫୫୫୫୫୫୫୫୫ —

- بیانات رهبرمعظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان (گزیده) ۱
- سخنان رئیس جمهور در گفت‌وگوی با مردم (گزیده) ۶
- تبار قرآنی مفاهیم بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و جایگاه جوانان (سخنرانی)..... ۸
- چشم پوشاندن نسبت به دستاوردهای انقلاب خطرناک است(سخنرانی)..... ۱۱
- درآمدی بر چیستی و چگونگی دانش بنیان‌ها (یادداشت)..... ۱۳
- ألفت اجتماعی؛ پیش شرط تحقق تمدن نوین اسلامی (یادداشت)..... ۱۷
- فرازها و مفاهیم دانش بنیانی در گفتمان رهبر انقلاب اسلامی (یادداشت)..... ۲۰
- ترک فعل و اهمیت این موضوع برای دشمنان (سخنرانی) ۲۵
- دانشگاه مهد آرمان‌خواهی، آرمان‌گرایی و عقلانیت است(سخنرانی)..... ۳۰
- در پیوند سبک زندگی اسلامی با اقتصاد؛ مبانی اخلاق اقتصادی را مراعات نکردیم (مصاحبه) ۳۳
- سیاست فرهنگی حداقل باید نسبت به مسائل اجتماعی بی‌قرار باشد (مصاحبه) ۳۸
- حوصلگی و کم حوصلگی جوان امروز (یادداشت)..... ۴۶

- ۴۸..... (مصاحبه) یا فرار دهی مغزها (مصاحبه)
- مهاجرت معکوس؛ نخبگانی که عطای غرب را به لقای آن می‌بخشند (مصاحبه)
- ۵۱.....
- روایتی از سلامت روان مردم در «پسا کرونا»؛ دو طیفی که گوشه‌گیر شد (گفتگو)
- ۵۴.....
- ایران در آستانه مواجهه با بحران پیری جمعیت (سخنرانی)..... ۵۸
- جمعیت و مساله چاله جمعیتی در ایران (مصاحبه)..... ۶۰
- چالش سالمندی؛ فرصت ۷ ساله برای نیفتادن در چاله جمعیتی (مصاحبه)..... ۶۱
- رشد جمعیتی ایران منفی نمی‌شود (مصاحبه)..... ۶۲
- آینده جمعیتی ایران با این شرایط تماشایی نیست (مصاحبه)..... ۶۴
- گزیده دیدگاه‌ها و راهبردها..... ۶۶

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان

۱۴۰۱/۲/۶

- خیلی از سوالات، پاسخ های قانع کننده دارد مشکل ما این است که شما ها (دانشجویان) با مسئولین مربوطه گفت و شنود ندارید این باید حل بشود. هم وزرا باید ببینند با شما ها صحبت کنند و هم مسئولین دستگاه های مختلف
- امیرالمومنین علیه السلام در نامه ای که به فرزند عزیز خودش امام حسن نوشت «احی قلبک بالموعظه» دلت را با شنیدن موعظه زنده کن! نامه ای که در نهج البلاغه است بد هم نیست که مراجعه کنید، نگاه کنید بخوانید.
- موعظه من امروز، این آیه سوره مریم است می فرمایند: «و انذرهم یوم الحسرة اذ قضی الامر و هم فی غفله» یعنی پیغمبر ما! به این کسانی که در غفلت فرو رفته اند بگو و بیم بده از روز حسرت! روز حسرت روز قیامت است.
- روز حسرت روز سختی است و این کارها، این تصمیم گیری ها در جوانی ممکن است، آسان تر از دوران عمر بنده و زندگی امثال بنده باشد قدر بدانید این فرصتی که در مقابل تان هست. در این سنی که هستید در مقابل تان ممکن است ۶۰ سال ۷۰ سال عمر باشد.
- راجع به مسائل دانشگاه؛ هم نظر دارم، هم پیشنهاد دارم. اولاً نقش آفرینی دانشگاه و امکان نقش آفرینی و لزوم این نقش آفرینی در آینده نزدیک، ثانیاً، برخی از فرصت ها و بعضی از تهدیدهایی که وجود دارد.
- انقلاب وقتی تشکیل شد هدف های بزرگی داشت تبدیل حکمرانی فردی و استبدادی به حکمرانی مردمی؛ و چند برنامه عملیاتی فوری پیش رو داشت مسئله دانشگاه یکی از برنامه ها بود.
- دانشگاه یک واقعیت بود و یک واقعیتی بود که مورد نیاز هم بود. منتها دو جور نگاه به دانشگاه وجود داشت؛ یک نگاه نگاه انقلاب بود و یک نگاه، نگاه جریان واپسگرای ضد انقلاب، مساله دانشگاه از روز اول انقلاب، یکی از مسائل چالشی بود.

- انقلاب دانشگاه را جایگاهی برای نخبه پروری، برای پیشرفت و حل مسائل کشور، برای جبران عقب ماندگی های دویست ـ سیصد ساله کشور نگاه می کرد.
- جوان ها کم کتاب می خوانند من نمی دانم شما ها در مورد استعمار و استعمار نو و مانند این ها چقدر کتاب خوانده اید، چقدر مطلب می دانید.
- انقلاب به دانشگاه به عنوان مرکز تولید علم، مرکز رشد علم؛ اول یاد بگیرند بعد تولید کنند و پیش ببرند، تا با دانش، اقتدار ملی را تامین کنند نگاه می کرد.
- غربی ها می خواستند دانشگاه کشورهای هدف، پس مانده های آن دانش غربی را فرا بگیرند و در واقع آن متاع از کار افتاده ی بی فایده یا کم فایده را بگیرند و دستشان از تولید علم کوتاه باشد. می خواستند با دانشگاه دانشمند مصرفی و جامعه مصرفی تولید کنند.
- چالش دیگر، هدف انقلاب ایجاد دانشگاه متدین بود، که جوان کشور وقتی می آید دانشگاه و چند سال در دانشگاه می ماند و بعد می آید بیرون، باید متدین بیاید بیرون حتی متدین تر از وقتی که وارد دانشگاه شد. آن ها می خواستند از دانشگاه دین زدایی کنند و کردند. در این هدف دین زدایی به طور کامل موفق نشدند، لکن بالاخره هر کاری که می توانستند انجام دادند و خاطره های تلخی وجود دارد.
- موضوع دانشگاه از روز اول مسئله چالشی بین جریان انقلاب و جریان ضد انقلاب بود.
- با انقلاب دانشگاه احساس هویت کرد و این احساس هویت منتهی شد به اینکه دانشگاه و دانشجو جماعت در مقابل قدرت های غربی احساس ضعف و احساس حقارت نکنند؛ درست نقطه مقابل آن چیزی که قبل از انقلاب بود.
- در وهله ی اول، انقلاب در چالش مربوط به دانشگاه به موفقیت های بزرگی دست پیدا کرد. توانست یک حرکت صحیح و محکم و مورد تحسینی را نسبت به دانشگاه انجام بدهد در مقابل جریان ضد انقلاب؛ به دانشگاه هویت داد، به دانشگاه شخصیت داد.
- معنایش این نبود که رویارویی تمام شده باشد؛ نخیر، یعنی این جور نبود که حالا با این موفقیت جریان انقلابی، جریان ضد انقلاب عقب نشسته باشد و از دانشگاه دست کشیده باشد و چالش تمام شده باشد.
- امروز جمهوری اسلامی، اولاً می تواند به دانشگاهش افتخار کند؛ ثانیاً موظف است دغدغه ی دانشگاه را داشته باشد. دانشگاه امروز با دانشگاه اول انقلاب واقعاً قابل مقایسه نیست.

- از لحاظ تعداد دانشجو؛ آن روز تعداد دانشجویهای همه‌ی دانشگاه‌های کشور حدود ۱۵۰ هزار نفر بودند، امروز تعداد دانشجو میلیونی است؛ از لحاظ استاد؛ [طبق] آن گزارشی که آن روز به ما می‌دادند، همه‌ی اساتید دانشگاه‌های تهران در اوّل انقلاب حدود پنج هزار نفر بودند؛ امروز ده‌ها هزار استاد داریم که در بین اینها اساتید برجسته‌ای وجود دارند.
- در پیشرفت علمی چشمگیر؛ آن روز ما از لحاظ کار علمی واقعاً هیچ چیز افتخارآمیزی در دانشگاه نداشتیم؛ واقعاً این جوری است؛ دانشگاه به عنوان یک کل، به عنوان یک مجموعه، هیچ حرکت علمی چشمگیر و قابل اعتنائی نداشت؛ امروز به فضل الهی، به توفیق الهی کارهای علمی چشمگیر و بزرگی در دانشگاه انجام گرفته و باز هم دارد به وسیله‌ی اساتید، به وسیله‌ی دانشجویهای نخبه انجام می‌گیرد.
- در تربیت نخبگان برجسته؛ ما امروز چقدر نخبه در کشور داریم. حالا یک عده‌ای از کشور می‌روند، اما آن تعدادی که از نخبه‌ها در کشور هستند، چندین برابر آن کسانی هستند که رفته‌اند.
- حضور دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها در مدیریت‌های دولتی؛ این خیلی مهم است. الان کسانی که هنوز به تعبیر عامیانه دهنشان بوی شیر دانشگاه را می‌دهد، در دولت و در مجلس و امثال اینها حضور دارند؛ این یکی از افتخارات دانشگاه کشور است.
- اما حضور دین در دانشگاه‌های کشور، یک حضور کاملاً برجسته، نمودار، شوق‌انگیز و بی‌نظیر است؛ قطعاً در دنیای اسلام، ما این همه جوان اهل تعبد، اهل اعتکاف، اهل نماز مستحبتی، اهل نماز جماعت، اهل دعا، اهل احیاء و قرآن سرگرفتن در دانشگاه‌ها نداریم؛ در هیچ جای دنیای اسلام چنین چیزی وجود ندارد و در اینجا بحمدالله هست همین دانشگاه، دانشگاهی است که می‌توان به آن به معنای واقعی کلمه افتخار کرد
- آن جریان وابسته‌ی واپس‌گرایی ضدانقلاب و آن ریشه‌های خارجی هنوز وجود دارد و دارد حمایت می‌شود اتاق‌های اندیشه‌ورز، به قول خودشان «اتاق فکر» دارند فکر می‌کنند، بودجه می‌گذارند، کار می‌کنند روی دانشگاه ما؛ هنوز چالش وجود دارد.
- دغدغه‌ی در درجه‌ی اوّل، هویت‌زدایی از دانشگاه و آرمان‌زدایی از دانشگاه است؛ بایستی برای این فکر کرد؛ همه باید فکر کنند؛ هم مدیران دانشگاهی، هم فعالان علمی دانشگاه مثل اساتید و محققین دانشگاهی، هم شما دانشجوها
- امروز می‌شنوید ایدئولوژی‌زدایی به عنوان یک کار لازم [مطرح می‌شود]؛ این همان هویت‌زدایی است. یعنی هویت فکری جامعه که مظهر مهم‌ش هم دانشگاه و دانشجو است بایستی از بین برود.

- هویت‌زدایی یعنی: مبانی اندیشه‌ای و رویکردهای تاریخی و ملی یک کشور تحقیر بشود، گذشته‌ی یک کشور تحقیر بشود، گذشته‌ی انقلاب تحقیر بشود، کارهای بزرگی که انجام گرفته کوچک‌نمایی بشود؛ و البته عیوبی وجود دارد و این عیوب هم ده برابر بزرگ‌نمایی بشود؛ هویت‌زدایی یعنی این
- امروز ما ده‌ها میلیون جوانی داریم در کشور که اینها آمده‌ی صعود به قلّه‌هایند، یعنی واقعاً امروز جوانهای کشور ما آماده‌اند - حالا بعضی‌ها با انگیزه‌های دینی و انقلابی، بعضی هم نه، ممکن است انگیزه‌ی انقلابی و دینی هم نداشته باشند اما آماده‌اند.
- آرمان‌زدایی [هم] یعنی بی‌تفاوت کردن افراد نسبت به فق، فساد و تبعیض؛ نسبت به این سه شیطان بزرگ و سه عنصر پلید در جامعه، بی‌تفاوت شدن نسبت به سلطه‌ی فرهنگ غربی، کم‌انگیزه شدن درباره‌ی شاخصهای انقلاب اسلامی انقلاب یک شاخص‌هایی دارد؛ شاخص ایستادگی در برابر ظلم، شاخص زیر بار زورگویی نرفتن، شاخص باج ندادن، شاخص بازگشت به اسلام ناب و ردّ تحجّر و واپسگرایی، شاخص ایستادگی در قضیه‌ی فلسطین، دنیا را این شاخص‌ها تکان داد.
- امروز جهان در آستانه‌ی یک نظم جدید است؛ یک نظم بین‌المللی جدید در پیش است برای دنیا، در مقابل نظم دوقطبی‌ای که بیست و چند سال پیش بود.
- روزه‌روز آمریکا ضعیف‌تر شده؛ هم در درون خودش و در سیاست‌های داخلی‌اش، هم در سیاست‌های خارجی‌اش، هم در اقتصادش، هم در امنیت‌اش، در همه‌ی چیزها آمریکا از بیست سال پیش تا امروز ضعیف‌تر شده است.
- ایران اسلامی ما وظیفه دارد جوری در این نظم جدید حضور پیدا کند - حضور سخت‌افزاری و حضور نرم‌افزاری - که بتواند امنیت کشور را، و منافع کشور را و ملت را تأمین کند، در حاشیه نماند، عقب نماند...
- اولین توصیه‌ی من به شما دانشجویان پرهیز از انفعال و ناامیدی است؛ دچار انفعال نشوید، دچار ناامیدی نشوید دانشجویان، دانشگاهیان؛ یعنی شماها باید جلوتر از همه باشید؛ شماها بایستی تأثیرگذارترین قشرها باشید
- بعضی از نسل‌های گذشته‌ی شما، اینجا کم آوردند در این مورد کم آوردند و دچار خطا شدند؛ یعنی آنجایی که نبایستی مأیوس بشوند، نباید ناامید بشوند، ناامید شدند، و این ناامیدی آنها را از میدان خارج کرد، بعضی‌هایشان هم بدجوری خارج شدند! بعضی‌ها علاوه بر خارج شدن از میدان مبارزه‌ی انقلابی، هم صدای با دیگران هم شدند!

- توصیه‌ی بعدی پرداختن به اندیشه‌ورزی است. در دانشگاه دو چیز لازم است: علم و فکر. علم بدون فکر مشکل‌ساز می‌شود، علمی که بدون فکر باشد، راه را غلط می‌رود..
- باید فکر کرد در همه‌ی زمینه‌ها، در سطح اداره‌ی کشور هم فکر خیلی نقش دارد. فکر «بایدها» و «نبایدها» را معین می‌کند، علم «واقعیت‌ها» را به ما می‌گوید، همچنانی که علم استاد می‌خواهد، فکر هم استاد می‌خواهد.
- با مسائل کشور مماس بشوید. جستجو کنید و تحقیق کنید، مسائل را از نزدیک ببینید، درک کنید، روی آن کار کنید، متمرکز بشوید
- یکی از مواردی که شما می‌توانید روی آن فکر کنید، کار کنید، با آن تماس پیدا کنید، همین مسئله‌ی شرکت‌های دانش‌بنیان و نگاه‌های دانش‌بنیان است، دانشجویها می‌توانند گفتمان‌سازی کنند؛ در مورد شرکت‌های دانش‌بنیان گفتمان‌سازی بشود..
- طبیعت دانشجوی مطالبه‌گری است؛ مطالبه‌گری کنید و از مسئولان بخواهید که کار جدی بکنند؛ یکی از کارهایی که شما می‌توانید بکنید این است؛ شما برحذر دارید مسئولان را از کارهای نمایشی
- باید دانشجویها مبانی اعتقادی، مبانی ایمانی را در خودشان مستحکم کنند که این هم البته راه‌های مخصوص خودش را دارد. مطالعه و مجالست با علما، تقویت مبانی اعتقادی، تقویت اندیشه‌ورزی، عمیق شدن در مسائل کشور، بررسی راه‌حل‌ها و تجربه‌ها
- فعالیت‌های بین‌المللی داشته باشید. الان در دنیا گروه‌های جوان دانشجوی و غیر دانشجوی زیادی هستند که علیه سیاست‌های استکباری، علیه آمریکا، علیه سیاست‌های اروپایی و غربی بشدت مشغول فعالیت اند؛ فایده‌ی اول این است که به آنها نیرو می‌دهید و کمک می‌کنید؛ فایده‌ی دوم این است که جمهوری اسلامی را به آنها معرفی می‌کنید؛ یعنی شمای دانشجوی، جمهوری اسلامی را به آن گروه دانشجویی مثلاً فرانسوی یا اتریشی یا مثلاً انگلیسی معرفی می‌کنید..
- بدون مدیریت جوان و پُرانگیزه و مؤمن کارها پیش نمی‌رود، باید جوانها باشند. منتها من به این جوان‌های عزیز که حالا الحمدلله وارد میدان کار شدند - چه در قوه‌ی مقننه، چه در قوه‌ی قضائیه، چه در قوه‌ی مجریه - توصیه‌ای که می‌کنم این است که اینها سعی کنند این مسئولیت کنونی را پله‌ای برای مسئولیت‌های بالاتر قرار ندهند؛ برای خدا کار کنید، چه بخش اقتصاد، چه بخش سیاست، چه بخش فرهنگ

سخنان رئیس جمهور در گفت و گوی با مردم

۱۴۰۱/۲/۱۹

- کرونا و مسئله تهیه واکسن دغدغه مردم بود که روزی ۷۰۰ تن از عزیزان خود را از دست می دادند.
- علاوه بر واردات واکسن، شرکت ها تولید و صادرات واکسن داشته اند.
- در شروع دولت ذخایر کالاهای اساسی کشور نگران کننده بود اما امروز این نگرانی بر طرف شده است. در موضوع ذخایر ارزی و ریالی نگران بودیم حقوق مرداد را چگونه پرداخت کنیم که این نیز برطرف شد.
- در مسئله بودجه نیز با ۴۵۰ هزار میلیارد کسری بودجه مواجه شدیم و تلاش کردیم تا بدون استقراض از بانک مرکزی مدیریت شود. پیش بینی می کردند تورم در دولت سیزدهم به ۶۰ درصد برسد اما به ۳۶ درصد رسید.
- ارز ترجیحی برای کشور مشکل ایجاد می کرد و دولت تلاش کرد از ۶ تا ۷ کالای این ارز را حذف کند در شروع دولت ۸ میلیارد دلار در قانون بودجه برای ارز ترجیحی اختصاص داده شده بود آغاز دولت سیزدهم با پایان این منابع همزمان شد
- ما این موضوع را به مجلس به واسطه لایحه ای اعلام کردیم که رای نیاورد و در نهایت تصمیم گرفتیم تا زیرساخت ها را در کشور آماده، اجماع و اقلان سازی کنیم.
- در موضوع ارز ترجیحی شتاب زده عمل نمی کنیم و بررسی موضوع را مدت هاست در دست داریم، دولت در بحث حل مسئله ارز ترجیحی برنامه دارد و با کارشناسان و صاحب نظران نشسته است. امروز همه بر حل مسئله ارز ترجیحی متفق هستند و تنها در زمان انجام آن بحث است.
- نباید از تصمیم سخت (مردمی سازی و توزیع عادلانه یارانه ها) فرار کرد بلکه باید به ابعاد مختلف آن پرداخت. مردم باید در جریان موضوع قرار بگیرند تا بدانند ما به عنوان دولت چه خواهیم کرد.
- برای سه دهک اول ۴۰۰ هزار تومان و نسبت به دهک های چهارم تا نهم ۳۰۰ هزار تومان کمک معیشتی نقدی در نظر گرفته ایم.

- نان و دارو یا بنزین همه مردم از آن برخوردار هستند و به هیچ وجه قیمت آن تغییر نخواهد کرد.
- این کمک معیشتی نقدی تا یک ماه یا دو ماه ادامه خواهد داشت تا کالابرگ الکترونیکی آماده شود. ما باید قانون را اجرا کنیم و به مردم و به ویژه نیازمندان فشاری وارد نشود
- آنچه تا امروز انجام می‌شد یارانه به وارد کننده می‌رسد که مشکلاتی نظیر رانت داشت الان به مصرف کننده خواهد رسید.
- حذف یارانه در کار نیست بلکه تخصیص یارانه مدیریت خواهد شد.
- همه مردم از یارانه نان و دارو برخوردار خواهند بود و قیمت نان و دارو هرگز افزایش نمی‌یابد و نان سنتی به همه مردم می‌رسد.
- دارو به شکل بیمه، با همین قیمت و زیرساخت هایش و یارانه به بیمه‌ها خواهد رسید و از سوی دیگر نیز بیمه‌ها دارو را به مردم خواهند رساند.
- افزایش قیمت‌ها پس از این، بعنوان کمک معیشتی خواهد بود و به مرور زمان اعلام خواهد شد که مردم چگونه اعتبار را از حساب برداشت کنند.
- سامانه‌ها به خصوص در وزارت رفاه موظف شدند که به صورت شبانه روزی به شکایات رسیدگی کنند و مردم در جریان اقدامات قرار خواهند گرفت تا زندگی خود را مدیریت کنند. سازمان حمایت از مصرف کننده موظف است که قیمت‌ها را به مردم اعلام کند.
- اگر ما در مساله واکسن موفق شدیم به سبب همکاری مردم بوده است و ما اجازه نخواهیم داد برای ماندگاری نام در جامعه، مردم به تنهایی با مشکلات بسازند.
- مسئولیت پذیری مساله مهم دولت است و من امروز خود را در جایگاه پاسخگویی قرار دادم و می‌دانم که کشور در چه شرایطی است.
- امروز قرار است قانون اجرا شود و دولت برنامه و مطالعه دارد تا بتواند بخش‌های اقتصادی را اصلاح کند. اصلاح ارز ترجیحی اول کار است و از همه صاحب‌نظران و مردم درخواست می‌کنم تا در این زمینه با دولت مساعدت کنند.

تبار قرآنی مفاهیم بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و جایگاه جوانان

نظام و رهبری

دوره | دفتر مطالعات فرهنگی جهاد انشاهی | شماره | خردادماه ۱۴۰۱

۸

مبانی قرآنی و روایی این بیانیه مهم باید ارزیابی و تحلیل شود که همچون شعارهای انقلاب اسلامی، خاستگاه قرآنی دارد و باید ۴۰ سال پس از تحقق آن شعارها، برای به سرانجام رساندن آن‌ها تلاش کرد جوانان نقش غیرقابل انکاری در تحقق این بیانیه دارند.

بیانیه «گام دوم» انقلاب اسلامی، بهترین پیام پس از ده‌ها سال تجربه، مدیریت و حکومت‌داری اسلامی است که در ۲۲ بهمن ۹۷ از طرف حضرت آیت‌الله خامنه‌ای صادر شد. این بیانیه نتیجه عمری تجربه، همراه با تقوا و بصیرت و قرار گرفتن در خط فکری اهل بیت (ع) است؛ ضروری است مبانی قرآنی و روایی آن مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. به اعتقاد من، روح این بیانیه عبارت از خوش بینی، امیدبخشی، ایمان به خدا و اعتماد به امت و نگاهی به تاریخ گذشته و امکانات امروز و چشم‌انداز آینده است. نقش جوانان در قرآن و سیره معصومین (ع) دارای جایگاه والا و بی‌بدیلی است. قرآن کریم به جوانان سفارش می‌کند باید خود را در مصالح و مفسد جامعه دخالت دهند؛ چنان که می‌فرماید: «یا بنی اقم الصلاه و امر بالمعروف و انه عن المنکر؛ پسر! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن» (لقمان/۱۷)؛ یعنی جوان می‌تواند به معروف‌ها امر و از منکرات نهی کند. حضور جوانان در راهپیمایی‌ها، توسعه علم و فناوری و توجه به معنویات نظیر حضور در مراسم اعتکاف از جمله همین نشانه هاست. رونق معنویت در میان جوانان در سال‌های پس از انقلاب را باید در زائران مکه، کربلا، مشهد و جمکران و شرکت در مسابقات دینی و حضور در اردوهای جهادی و پیاده روی اربعین و دل‌کندن از پدران و مادران و همسران با حضور در جبهه‌ها و شکرگزاری خانواده شهدا از اینکه عزیز خود را در راه خدا داده‌اند، پیدا کرد. خالق هستی در کتاب آسمانی، نگاه بشر را فراتر از مادیات قرار داده و برای هر کاری از دو زاویه مادی و معنوی مسائلی را مطرح کرده است.

در فرهنگ اسلامی برای بسیاری از امور مادی، مشابه معنوی نیز وجود دارد؛ برای مثال، امروز هر جا سخن از محیط زیست می‌شود، ذهن‌ها فقط به سراغ آب و خاک و جنگل و باد و باران و امثال این امور می‌رود، در صورتی که اسلام علاوه بر آیات و روایات بسیاری که مربوط به حفظ محیط زیست معنوی است، یک نگاه بالاتری دارد که می‌توان با نگاه فرامادی به مسئله نگریست؛

از جمله اینکه امر به معروف و نهی از منکر را راهبردی اساسی برای حفظ سلامت محیط زیست اجتماعی بشر می‌داند. غالب شعارهایی که مردم در انقلاب دادند، منشأ قرآنی و روایی دارد. یکی از شعارهای ناب، «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» است. برای نمونه، قرآن درباره «استقلال» می‌فرماید: ما قبله را تغییر دادیم تا یهود بر شما منت نگذارد که شما در قبله تابع ما هستید و استقلال ندارید؛ «و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره لئلا یکون للناس علیکم حجه؛ و از هر جا و به هر دیار بیرون شدی روی به جانب کعبه کن و شما مسلمین هم به هر کجا بودید روی بدان جانب کنید تا مردم به حجت و مجادله بر شما زبان نگشایند». (بقره/۱۵۰)

«آزادی» و «جمهوری اسلامی» نیز از شعارهایی هستند که مورد توجه جدی قرآن قرار دارند. برای نمونه به «جمهوری اسلامی» اشاره می‌کنم. در آیه «و شاورهم فی الامر؛ در کارها با آنان مشورت کن» (آل عمران/۱۵۹)، از طرفی به تشکیل جمهوری اسلامی امر شده و از دیگر سو به انجام دستورات الهی. در جمهوری اسلامی هم عزت نهفته است تا هر فرد در هر انتخاباتی نظر خود را بدون هیچ‌گونه فشار و تهدیدی اعمال کند و هم عقلانیت و توجه به افکار عمومی و هم برابری به معنای واقعی که هر نفر فقط یک رأی دارد و رأی هیچ‌کس بر رأی دیگری مقدم نیست. مسلمانان باید باور کنند تمام عزت برای خدا و رسول و مؤمنان است. خداوند می‌فرماید: «و لئله العزه و لرسوله و للمؤمنین و لکن المنافقین لا یعلمون؛ عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است (و ذلت خاص کافران) ولیکن منافقان از این معنی آگاه نیستند» (منافقون/۸).

ناگفته پیداست که معنای عزت، داشتن ثروت و قدرت نیست بلکه معنای عزت، صلابت و نفوذناپذیری است. حال توجه کنید که پیش از انقلاب اسلامی، آمریکا و دست‌نشانده‌های او برای مردم تصمیم می‌گرفتند، مردم حتی یک فرد از مسئولان یک شهر و روستا را نمی‌توانستند تعیین کنند،

ولی با لطف الهی پس از انقلاب و جانفشانی‌ها، این انقلاب اسلامی بود که با تشکیل حکومت مردمی و مردم سالاری و اراده ملی و اتکا به توانایی داخلی و امثال آن، برای ایران و ترویج فرهنگ «ما می‌توانیم» عزت‌آفرینی کرد. اسلام طرفدار توزیع عادلانه، به اندازه، بی‌اسراف و همراه با مدیریتی خردمندانه است. اقتصاد ما نباید وابسته به نفت و دلار باشد. ما باید از ظرفیت داخلی استفاده کنیم. قرآن از قول حضرت یعقوب (ع) به پسرانش سفارش می‌کند: «لا تدخلوا من باب واحد؛ همه از یک در وارد نشوید» (یوسف/۶۷)؛ یعنی برای پیدا کردن یوسف (ع) نباید از یک طریق اقدام کرد. همچنین در قرآن کریم و روایات اسلامی برای رشد اقتصاد، مؤلفه‌های گوناگونی مطرح شده است.

از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد اقتصادی می‌توان به درونی بودن و عدم وابستگی اقتصاد اشاره کرد. در همین راستا قرآن می‌فرماید: «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا؛ خداوند هیچ‌گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد کرد» (نساء/۱۴۱). مؤلفه دیگر این است که اقتصاد باید مولد باشد. پیامبر اکرم (ص) هرگاه میان مسلمانان مسابقه برگزار می‌کرد، جوایزی که برای برندگان تعیین می‌کرد جوایز مولد بود.

منبع- صدا و سیما (۱۴۰۱/۲/۱۸)

چشم پوشاندن نسبت به دستاوردهای انقلاب خطرناک است.

نظام و رهبری

نادیده گرفتن نقدها نادرست است اما چشم پوشاندن نسبت به دستاوردها نیز خطرناک است، برای جهاد تبیین فرد و جامعه باید با به کارگیری همه ابزارها قیام کنند و این وظیفه شرعی، اخلاقی و انقلابی است.

عقل می‌گوید، برای برآورده شدن خواسته‌ها باید به کسی متوسل شد که سه ویژگی علم، قدرت و مهر و رحمت دارد، همه قدرت‌های عالم در خداوند است و اگر آن قدرت بیاید همه چیز تسخیر می‌شود، همچنین خداوند از آنچه نمی‌گویید آگاه است که نشان دهنده علم خدا است و رحمت خداوند نیز گشوده است. گاهی انسان‌ها به گونه‌ای غرق در خداوند می‌شوند که خواسته‌های شان فراموش می‌شود و عشق و حب خداوند را می‌خواهند.

تأکید رهبر معظم انقلاب در رابطه با موضوع جهاد تبیین نشان دهنده ضرورت خیزش عمومی در سطح فردی و اجتماعی برای دفاع از اسلام آرمان‌های انقلاب و شهدا است نباید دستاوردهای انقلاب را به خاطر سختی‌های معیشتی، تحریم و... کوچک شمارد، سپاه دشمن، همراه با نادانی برخی دوستان، دست به دست هم دادند که مردم را سست و ناامید کنند؛ ملت عزیز؛ این انقلاب سرمایه تاریخی شما است و دستاوردهای آن قابل وصف، احصا و شمارش نیست. در زیرساخت‌هایی نظیر آب، برق، گاز، راه، مخابرات تحولات زیادی رخ داده است و در حوزه سلامت و بهداشت نیز از میانگین عمر و امید به زندگی حدود ۵۰ سال به بالای ۷۰ سال رسیده‌ایم همچنین در حوزه علم و فناوری نیز دستاوردها قالب وصف نیست.

۱۱

پیشرفت در حوزه صنعت و معدن، کشاورزی، قدرت دفاعی، مسائل مربوط به امنیت، استقلال، آزادی، قدرت منطقه‌ای، معنویت گسترده در سطح کشور و گفتمان نوین ایران و انقلاب از سرمایه‌های این کشور است. نادیده گرفتن نقدها نادرست است، اما چشم پوشاندن نسبت به دستاوردهای نیز خطرناک است، برای جهاد تبیین فرد و جامعه باید با به کارگیری همه ابزارها قیام کنند و این وظیفه شرعی، اخلاقی و انقلابی است. برخی از کسانی که مدعی امام هستند و در انقلاب سوابقی دارند سخنان نادرستی گفته‌اند و مواضع غلطی ابراز کرده‌اند که دل‌ها را آزرده کرده است. کسانی که در برابر غرب ترسیده‌اند و حالت انفعال به آن‌ها دست داده است و از مسیر پاک انقلاب دور شده‌اند این سخنان را گفته‌اند

و باید از این ملت بزرگ و عظیم عذرخواهی کنند. در برخی مراسم‌های کشور و به ویژه جشنواره فجر اتفاقاتی رخ داد که شایسته نبود و در برخی موارد عذرخواهی‌هایی کردند که در حد آن حرمت‌شکنی‌ها نبود. ارزش‌های اخلاقی اسلامی و فرهنگی نشانه این ملت بزرگ بوده است. ما مدافع هنر، انسانی، پاک، اخلاقی و نشاط‌آور هستیم، اما هنر نباید در دام‌های شیطانی و هنجارشکن قرار بگیرد و جبران این حریم‌شکنی‌ها خواسته ملت است.

(منبع - خبرگزاری حوزه ۳۰ / ۱۱ / ۱۴۰۰)

درآمدی بر چیستی و چگونگی دانش بنیان‌ها

نظام و رهبری

آئین‌نامه اجرایی قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات در سال ۱۳۹۲ به تصویب هیئت وزیران و آیین‌نامه آن به تصویب «کارگروه ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان و نظارت بر اجرا» رسید.

بر اساس این آئین‌نامه شرکت دانش بنیان عبارت است از: «شرکت یا مؤسسه خصوصی یا تعاونی که به منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالاها و خدمات) در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده فراوان و بر اساس معیارهای مورد نظر این آئین‌نامه، به تأیید کارگروه برسد.»

معیارهای فعلی ارزیابی «شرکت‌ها» و «کالاها و خدمات» دانش بنیان عبارت است از:

- سطح فناوری: کالاها و خدمات باید در حوزه فناوری‌های بالا یا متوسط به بالا باشند.
- مرحله تولید: کالاهای ارائه شده باید در حال تولید بوده یا حداقل در حد نمونه آزمایشگاهی (با قابلیت بررسی فنی) ساخته شده باشند، همچنین خدمات، باید دارای اسناد فروش باشند.
- طراحی مبتنی بر تحقیق و توسعه: شرکت باید طراحی اساسی و قابل توجهی مبتنی بر فعالیت‌های تحقیق و توسعه انجام داده باشد.

شرکت‌های دانش بنیان موضوع این آئین‌نامه شامل دسته‌های الف- نوپا نوع اول، ب- نوپا نوع دوم، ج- تولیدی نوع اول و تولیدی نوع دوم می‌شوند.

شرکت‌های نوپا نوع اول: این شرکت‌ها دارای اظهارنامه مالیاتی سال گذشته یا دارای درآمد عملیاتی در اظهارنامه مالیاتی سال مالی گذشته خود نیستند، در صورتی که حداقل یک «کالا یا خدمت یا فرآیند تولید یا تجهیز تولید» با فناوری در سطح ۱ را حداقل در حد نمونه آزمایشگاهی و مشروط به دارا بودن همه معیارهای ماده (۱) آیین‌نامه، ساخته و ارائه نمایند، بصورت شرکت «نوپا نوع اول» تأیید می‌شوند.

شرکت‌های نوپا نوع دوم: این شرکت‌ها که دارای اظهارنامه مالیاتی سال مالی گذشته خود یا دارای درآمد عملیاتی در اظهارنامه مالیاتی سال مالی گذشته خود نیستند، در صورتی که حداقل یک «کالا یا خدمت یا فرآیند تولید یا تجهیز تولید» با فناوری در سطح ۲ را حداقل در حد نمونه آزمایشگاهی و مشروط به دارا بودن همه معیارهای ماده (۱) آیین نامه، ساخته و ارائه نمایند بصورت شرکت «نوپا نوع دوم» تأیید می‌شوند.

شرکت‌های تولیدی نوع اول: این شرکت‌ها که در اظهارنامه سال مالی گذشته خود دارای درآمد عملیاتی هستند، در صورتی که حداقل (۲۵) درصد از این درآمد، ناشی از فروش کالاها یا خدمات با فناوری در سطح ۱ و حائز همه معیارهای ماده (۱) آیین نامه باشد، بصورت شرکت «تولیدی نوع اول» تأیید می‌شوند.

شرکت‌های تولیدی نوع دوم: این شرکت‌ها که در اظهارنامه سال مالی گذشته خود دارای درآمد عملیاتی هستند، با دارا بودن یکی از شرایط بندهای زیر تأیید می‌شوند:

- حداقل یک «کالا یا خدمت یا فرآیند تولید یا تجهیز تولید» با فناوری در سطح ۱ یا سطح ۲ را حداقل در حد نمونه آزمایشگاهی و مشروط به دارا بودن همه معیارهای ماده (۱) آیین نامه ساخته و ارائه کنند.
- شرکت حداقل یک پروژه «مهندسی، پیمانکاری و ساخت» (EPC) باشد، مشروط به اینکه حداقل (۱۰) درصد از قیمت قراردادهای پروژه ناشی از بخش‌های حائز همه معیارهای ماده (۱) آیین نامه باشد.

شرکت‌های مستعد دانش بنیان نوع سوم: شرکت‌های مستعدی که حائز معیارهای این آئین نامه نباشند ولی در صورت ارائه فرصت و حمایت امکان کسب آنها را داشته باشند، در صورت احراز معیارهای ارزیابی آمده در پیوست (۲) آئین نامه، بصورت شرکت «مستعد دانش بنیان نوع ۳» تأیید می‌شوند.

لرازم به ذ اشاره است که براساس این آئین نامه و معیارهای فوق تا کنون بیش از ۶ هزار و ۷۰۰ شرکت ارزیابی شده و تأییدیه دانش بنیانی دریافت کرده‌اند.

مقام معظم رهبری ۷ ملاک «نوآوری»، «اشتغال آفرینی»، «حل مسئله»، «داشتن نیروهای متخصص»، «کاهش ارزیابی»، «ارزش افزوده آفرینی» و «قابلیت صادرات» را به عنوان شرط دانش بنیانی شرکت‌ها مطرح کردند.

• **نوآوری و کاهش ارزبری:** در اشاره به ویژگی «نوآوری» می فرمایند: «برای شرکتهای دانش بنیان باید ضوابط کیفی تعیین بشود؛ این جور نباشد که فلان شرکتی که با فناوری چهل سال پیش دارد کار می کند، بیاید به عنوان شرکت دانش بنیان ثبت نام کند، مثلاً از بهره مندی ها و امکانات و تسهیلاتی که هست استفاده کند؛ این درست نیست به معنای واقعی کلمه در [یک شرکت] دانش بنیان یک نوآوری ای باید وجود داشته باشد... یکی اینکه کاهش ارزبری وجود داشته باشد. ما الان در یک مواردی برای واردات یک محصول ارز زیادی مصرف می کنیم؛ اگر این شرکت دانش بنیان این را تولید کند یا به تولید نزدیک بکند، این یا کاهش ارزبری دارد یا بگلی ارزبری را از بین می برد؛ این یکی از معیارها است.»

• **اشتغال آفرینی:** در اشاره به ویژگی «اشتغال آفرینی» می فرمایند: «اشتغال آفرینی؛ یکی از شاخص ها است که شرکتهای به معنای واقعی کلمه اشتغال آفرین باشند.»

• **حل مسئله:** در اشاره به ویژگی «حل مساله» می فرمایند: «یک نکته مهم دیگر این است که در توسعهی شرکت های دانش بنیان، اولویت هایی در نظر گرفته بشود یکی از اولویت ها که خیلی مهم است، این است که این شرکت ها در جهت حل مسئله باشند؛ ما مسائل اقتصادی مشخصی در کشور داریم؛ این شرکتهای متوجه به حل مسئله باشند، گره گشایی داشته باشند، بر طبق نیاز به وجود بیایند یعنی نیازسنجی بشود در مورد این شرکتهای. یک بخش هایی هست که امنیت اقتصادی متوقف بر آنها است؛ مثلاً فرض کنید بخش کشاورزی که اتفاقاً بنده آن روز - صحبت اول سال - گفتم که یکی از وابسته ترین بخش های ما به واردات و به خارج، بخش کشاورزی ما است در حالی که بخش کشاورزی به امنیت غذایی ما ارتباط پیدا می کند؛ [این] مسئلهی مهمی است.»

• **قابلیت صادرات:** در اشاره به ویژگی «قابلیت صادرات» می فرمایند: «یک مسئلهی مهم اقتصادی هم همین بحث خام فروشی است که عرض کردیم به اصطلاح مواد خام را صادر می کنیم با قیمت ارزان، و تولیدات محصولات نهایی را از بیرون وارد می کنیم با قیمت گران؛ نسبت این دو قیمت را هم برای من نوشته اند و دوستان اهل تخصص این کارها [هم] ذکر کرده اند؛ نسبت خیلی فاحشی است ما مواد خام را با قیمت ارزان صادر می کنیم، محصول نهایی را با قیمت گران وارد می کنیم، در حالی که باید محصول نهایی را [صادر کنیم]. صادرات کشور [بایستی] برود به این سمت، تولیدات برود به این سمت، تولید دانش بنیان برود به این سمت که ما بتوانیم محصول نهایی را در همه ی مواد گوناگون صادر کنیم.»

• **برخورداری از نیروی متخصص و ارزش افزوده آفرینی:** در اشاره به ویژگی «نیروی متخصص و ارزش افزوده آفرینی» می فرمایند: «در شرکت های دانش بنیان این جهت رعایت بشود که با امنیت

اقتصادی کشور در گرو آنها است، یا ظرفیت بالایی از نیروهای متخصص و غیر شاغل را دارند که نیروهای متخصص را جذب کنند، یا در بخش هایی که شرکت ها مواد خام صادر می کنند مثل بخش معدن؛ متأسفانه در کشور ما در بخش معادن، ما مشکلات زیادی داریم؛ یکی از مشکلات همین خام فروشی است. حالا نفت که به جای خود؛ در مورد نفت که ما واقعاً هیچ ارزش افزوده ای نداریم، در مورد گاز تا حدودی [وجود دارد]؛ در حالی که آن طوری که متخصصین می گویند در بخش نفت می شود ارزش افزوده زیادی تولید کرد و به وجود آورد، اگر چنانچه به بخش های پایین دستی نفت توجه بشود. گاز هم همین جور، در بخش معادن دیگر هم همین جور است؛ فلزات ما، سنگ، سنگ های ارزشمند در کشور، چقدر معدن گران قیمت سنگ وجود دارد در کشور؛ اینها بدون اینکه یک ارزش افزوده ای داشته باشد، بدون کار کردن روی آنها، اینها صادر می شود. این بخشها مهم است که ما شرکتهای دانش بنیان را به این بخشها متوجه کنیم».

تأکید مقام معظم رهبری بر نحوه ارزیابی متقاضیان دانش بنیان نشان از اهمیت بعد کیفیت محصولات تولیدی از منظر ایشان دارد. همچنین شرایط و شاخص های مطرح شده توسط ایشان مانند صادرات، کاهش ارزیابی، ارزش افزوده آفرینی و اشتغال آفرینی نشان دهنده عمق توجه و تأکید ایشان بر افزایش نفوذ فناوری در اقتصاد است که عبور شرکت ها از کمیت و تعداد و تولید و خدمت صرف به تولید با کیفیت همراه با نوآوری را بیشتر می کند و وظایف نظارتی بیشتری را به نهادها و مسئولان اجرایی محول می کند.

گزارش دفتر مطالعات فرهنگی

آفت اجتماعی؛ پیش شرط تحقق تمدن نوین اسلامی

نظام و رهبری

تمدن نوین اسلامی مبحثی است که طی چند سال اخیر از سوی مقام معظم رهبری مطرح شده است. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که به عنوان چشم‌انداز نظام جمهوری اسلامی است، تشکیل تمدن نوین اسلامی را به عنوان آرمان انقلاب اسلامی ایران مطرح فرموده‌اند. از نظر ایشان این آرمان‌ها هستند که می‌توانند به تلاش‌ها و فعالیت‌های جوامع و انسان‌ها جهت بدهند،

بدون آرمان‌ها نه می‌شود درست زندگی کرد و نه کوشش‌ها سامان و انضباطی دارد. آرمان؛ خط روشن و افق واضحی در مقابل جوامع و انسان‌ها است که جهت حرکت و نقشه راه را مشخص می‌سازد.

منطقاً تحقق امور و پدیده‌ها منوط به مقدمات و پیش شرط‌هایی است، حال سوال این است که مقدمه، پیش‌نیاز و پیش‌شرط تشکیل تمدن نوین اسلامی چیست؟ از سیاق قرآنی چنین به نظر می‌رسد که پیش‌شرط اصلی تشکیل تمدن نوین اسلامی، «آفت اجتماعی» است. در سوره مبارکه قریش بنا به تفاسیر چنین آمده است که خداوند متعال آفت را بین قریش برقرار کرد؛ چرا که بنا بود ظهور پیامبر خاتم (ص) در مکه که محل زندگی قبیله قریش بود اتفاق افتاده و نطفه تشکیل تمدن اسلامی در آنجا بسته شود. به همین علت خداوند متعال آفت را در میان قریش و مکه برقرار کرد و لذا اگر آفت اجتماعی لازمه و پیش‌شرط تشکیل تمدن اسلامی است پس قاعدتاً پیش‌نیاز و مقدمه تشکیل تمدن نوین اسلامی نیز خواهد بود.

اما آفت اجتماعی چیست؟ چرا ضرورت دارد؟ و چگونه تحقق می‌یابد؟

از تفاسیر چنین برمی‌آید که آفت به معنی اجتماع توأم با انسجام و انس و التیام است. از میان اندیشمندان و علمای گذشته اسلامی، مرحوم ملا محسن فیض کاشانی در آثار خویش به مبحث آفت اجتماعی توجه داشته و اهتمام به وحدت و آفت در میان مومنان و احتراز از اختلاف و تفرق را در آثار سیاسی و اخلاقی خویش مورد تاکید قرار داده‌اند. وی در رساله «آئینه شاهی» که خطاب به

شاه عباس دوم نگاهشسته است؛ هدف اساسی سیاست و حکومت را انتظام و الفت دانسته و معتقد است ضرورت حکومت در زندگی اجتماعی انسان‌ها برای آن است تا جمعیت ایشان نظام گیرد و اسباب تعیش ایشان انتظام یابد.

مرحوم فیض در رساله «الاعتذار» ضرورت حفظ انتظام و الفت اجتماعی مومنان را به سیره امام علی علیه السلام در واگذاری امر حکومت به خلیفه اول مستند کرده بر این باور است که امام این امر را به آنها واگذار کرد تا وحدت کلمه مسلمانان فرو نپاشد و اختلاف در میان آنان پدید نیاید و اجتماع آنها فراهم گردد و احکام در میان آنها جاری و پیاده شود. بنابراین اگرچه تسلیم شدن امام به این امر خالی از مفسده نبود، اما در برابر فساد اعظم، یعنی فروپاشی وحدت و الفت اجتماعی مسلمانان و بروز پراکندگی در میان آنها بسیار خرد می‌نمود، از این رو امام به آن مبادرت کرد.

پس ما باید به طریق اولی در امور جزئی‌تر خود حفظ وحدت و الفت اجتماعی مسلمانان را بر هر چیز دیگر ترجیح بدهیم.

ایشان در رساله «الفت نامه» به اهتمام شارع مقدس به جمعیت و حصول الفت و یگانگی در میان مسلمانان و احتراز از اختلاف و انشقاق تاکید کرده و غرض شارع را در اکثر تکالیف شرعی تحصیل الفت و یگانگی و حفظ نظام اجتماعی در میان انسان‌ها دانسته است.

اما تحقق الفت اجتماعی خود نیازمند لوازمات و مقدماتی است که در صورت تحقق آنها، الفت اجتماعی به وجود خواهد آمد. از سیاق سوره مبارکه قریش می‌توان دریافت که تحقق پنج مولفه ذیل، لازمه تحقق الفت اجتماعی است:

از میان رفتن تهدید دشمن خارجی؛ دشمن خارجی تهدیدی بزرگ برای ثبات و امنیت یک ملت و یک کشور محسوب می‌شود. بی‌ثباتی و عدم امنیت و... خود تهدیدی برای از بین رفتن الفت اجتماعی در جامعه است و لذا لازم است برای تحقق الفت اجتماعی، تهدید دشمن خارجی از میان برداشته شود.

تعلق سرزمینی: برای اینکه بتوانیم در جامعه الفت اجتماعی ایجاد کنیم، نیاز داریم که سرزمینی را محل و مأوای این تجمع و گردهمایی قرار دهیم و لذا لازم است که افراد جامعه نسبت به آن محل و سرزمین تعلق خاطر داشته باشند. بنابراین تعلق سرزمینی موجب ایجاد الفت اجتماعی در جوامع می‌شود.

تعلق دینی: دین و مناسک دینی موجب نزدیکی فکری و روانی افراد جامعه به یکدیگر می‌شود و این نزدیکی فکری و روانی خود موجب ایجاد الفت اجتماعی می‌گردد.

اقتصاد قوی: رنج در فراهم آوردن معیشت و مهیا نبودن امکانات و مقدمات آن موجب می‌شود که الفت اجتماعی در جامعه شکل نگیرد. لازمه اینکه مردم تعلق سرزمینی خود را نسبت به یک مکان حفظ کنند و وجود اقتصاد قوی و امنیت است. منظور از اقتصاد قوی یعنی حداقل اینکه مردم در آن سرزمین دغدغه و نگرانی معیشت نداشته باشند.

امنیت: وجود امنیت در یک مکان و سرزمین به مانند اقتصاد، یک پایه اساسی و اصلی زیست مردم در آن سرزمین است و لذا برقراری امنیت موجب شکل‌گیری الفت اجتماعی در آن سرزمین می‌شود.

اما بایستی توجه داشت که این پنج مولفه یعنی؛ از میان رفتن تهدید دشمن خارجی، تعلق سرزمینی، تعلق دینی، اقتصاد قوی و امنیت، در اصل سنگ بنای اولیه ایجاد الفت اجتماعی در جامعه هستند ولیکن آنچه که باعث استحکام و تداوم الفت اجتماعی در جامعه می‌شود، چگونگی رابطه بین «شهروندان و حکمرانان» جامعه است. یعنی زمانی الفت اجتماعی در جامعه استحکام و تداوم می‌یابد که مرادفات درست بین شهروندان و حکمرانان ایجاد شود، ولی اگر هر کدام از آنها به دنبال منافع خود باشند قطعاً نتیجه عکس حاصل خواهد شد و الفت اجتماعی اولیه نیز از بین خواهد رفت و لذا لازم است که شهروندان و حکمرانان نسبت به حقوق و تکالیف یکدیگر واقف باشند.

منبع: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۴۰۱/۲/۱۸)

فرازها و مفاهیم دانش بنیانی در گفتمان رهبر انقلاب اسلامی

مقام معظم رهبری بیش از یک دهه است که بر مفهوم «دانش بنیان» تاکید داشته و ابعاد آن را تبیین کرده‌اند. در منظومه فکری ایشان، دانش بنیان متعلق دو امر قرار می‌گیرد: نخست، «اقتصاد» و دوم، «شرکت و بنگاه». در موضوع بنگاه‌ها و شرکت‌های دانش بنیان، رویکرد و تعریف رهبر انقلاب با تعاریف مرسوم و هنجار دانشی، تفاوتی نداشته و واجد معنایی مشترک با برداشت عمومی از این مفهوم است. اما در مفهوم «اقتصاد دانش بنیان»، اختصاصات و امتیازات معنایی و رویکردی را در منظومه فکری ایشان شاهد هستیم و لذا نیازمند عنایت و دقت نظری افزون است.

بنابر بررسی‌های صورت گرفته، معظم‌له طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۱ در بیانات، مرقومه‌ها و پیام‌های خویش و در تعبیر مختلف، از مفهوم «دانش بنیان» یاد کرده‌اند و مجموعاً بیش از ۳۳۰ کلمه پیرامون این موضوع ارایه بحث داشته‌اند که این امر نشانگر میزان بسیار زیاد اهمیت و اولویت این مفهوم در گفتمان ایشان است. در این نوشتار سعی شده است به صورت مستند و از خلال بیانات و رهنمودهای رهبر انقلاب اسلامی، در ۱۰ فراز کلیدی و مفاهیم مرکزی ذیل آن که می‌توان رویکرد و گفتمان ایشان در زمینه دانش بنیان را بر مدار آن مفصل‌بندی کرد اشاره کرد.

فرار اول: ما بحمدالله تحریمها را بی‌اثر کردیم؛ با شرکت‌های دانش بنیان فراوان، حرکت عظیم جوانان، ابتکارهای گوناگون در این زمینه.» (۱۴۰۱/۰۱/۰۱)

مفاهیم مرکزی فراز کلیدی اول:

- ۱-۱- تاکید بر بی‌اثر کردن تحریم‌ها
- ۱-۲- اقتدار کشور
- ۱-۳- ابتکاری و خلاقانه

فراز دوم: درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدّی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌ها بخش‌های مهمّ این راه‌حل‌ها است.

مفاهیم مرکزی فراز کلیدی دوم:

۲-۱- راه حل مشکلات اقتصادی

۲-۲- محور رویکرد اقتصاد مقاومتی

۲-۳- مردمی کردن اقتصاد

فراز سوم: نگاه به نخبگان، در این جهت هم مورد اهتمام قرار می‌گیرد و نکته‌ی اساسی‌ای است؛ تأثیر [نخبگان] در برنامه‌ریزی برای مسائل کشور. حتی مثلاً فرض بفرمایید تبدیل اقتصاد نفتی به اقتصاد مستقل، اقتصاد دانش‌پایه، اقتصاد مقاومتی. اگر ما عناصر نخبه و فعال و دلسوز و بانشاط نداشته باشیم، اقدام نمی‌کنیم برای اینکه اقتصادمان را تغییر بدهیم؛ [اما] وقتی آدم‌های حسابی، پایه‌کار، علاقه‌مند، در اختیار نظام تصمیم‌گیری کشور هست، طبعاً اقدام میکند دیگر

مفاهیم مرکزی فراز کلیدی سوم:

۳-۱- منشا تحول اقتصادی

۳-۲- محمل کنشگری نخبگان

فراز چهارم: اقتصاد دانش‌بنیان را اهمّیت بدهیم رشد شتابان اقتصاد به‌وسیله‌ی اقتصاد دانش‌بنیان [ممکن] خواهد شد. امروز ما امکانش را هم داریم؛ جوانهای بسیاری هستند آماده، تحصیل کرده، باسواد که می‌توانند کارهایی انجام بدهند. گاهی می‌شنوید یا در تلویزیون می‌آیند یک کارآفرین جوان را نشان می‌دهند که آدم واقعاً لذّت می‌برد، حظ میکند که این آمده وارد شده در یک مقوله‌ای - کشاورزی، دامداری، صنعت، صناعت‌های کوچک، خدمات و امثال این‌ها - با سرمایه‌ی کم شروع کرده و با پشتکار به یک جایی رسیده. [تولید] ثروت از راه فکر، از راه کارهای دانشی هم یک مسئله است.

مفاهیم مرکزی فراز کلیدی چهارم:

۴-۱- عامل تولید ثروت (از راه فکر)

۴-۲- عامل رشد شتابان و تحول اساسی اقتصاد کشور

فراز پنجم: منابع کشور - انواع فاینانس‌ها و پول‌هایی که آزاد میشود - نبایستی هدر برود. صنایع تعطیل شده، بخش اقتصاد دانش‌بنیان، بخش تبدیل ماشین‌های فرسوده‌ی صنایع‌مان، اینها جزو اولویّت‌ها است.

مفاهیم مرکزی فراز کلیدی پنجم:

۵-۱- اولویت اقتصاد ملی

فراز ششم: بخش‌هایی در اقتصاد ما وجود دارد که مهم و دارای اهمیت است؛ مثلاً بخش نفت و گاز یا بخش تولید موتور که برای خودرو، برای هواپیما، برای قطار، برای کشتی مورد استفاده است، این بخش‌های حساس و مهم، دانش بنیان بشود. اینکه ما می‌گوییم اقتصاد دانش بنیان [این است]. جوان‌های ما، دانشمندان ما نشان داده‌اند که می‌توانند نوآوری کنند، می‌توانند ما را از آن سطحی که در فناوری داریم بالاتر ببرند. خب، این کار کوچکی است که موشک بُرد بلند را جوری تنظیم کنند که در دوهزار کیلومتری با انحراف دو متری یا پنج متر به هدف بخورد؟ خب آن مغزی که می‌تواند این کار را بکند، در موارد گوناگون دیگر هم می‌تواند؛ مثلاً فرض کنید که سطح موتور خودرو را با یک پیشرفتی بالا ببرد که فرض کنیم مصرفش کم بشود، یا موتور قطار را به فلان شکل به وجود بیاورد؛ می‌تواند. همین الان در کشور ما بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی‌ای وجود دارند که کارهایی که آنها انجام می‌دهند و تولید می‌کنند، یا از مشابه خارجی‌اش بهتر است یا برابر آنها است؛ همین الان داریم؛ خب اینها را باید تقویت کرد. پس بنابراین دانش بنیان شدن بخش‌های مهم اقتصاد داخلی، یکی از کارهایی است که در اقتصاد مقاومتی شرط است و بایستی انجام بگیرد.

مفاهیم مرکزی فراز کلیدی ششم:

۶-۱- دارای اولویت

۶-۲- جز شروط اقتصاد مقاومتی

۶-۳- نوآورانه و خلاقانه

۶-۴- قابلیت توسعه و مقیاس‌پذیری در حوزه‌های مختلف اقتصاد و صنعت

فراز هفتم: اگر پیشرفت علمی را ما دنبال کردیم، آن وقت اقتصاد دانش پایه - که سرمایه‌گذاری‌اش اندک است [اما] فرآورده و محصولش بسیار زیاد است - در اختیار ما قرار خواهد گرفت.

مفاهیم مرکزی فراز کلیدی هفتم:

۷-۱- نیاز سرمایه‌گذاری اندک

۷-۲- بهره‌وری و بازدهی بسیار بالا

۷-۳- خروجی جریان پیشرفت علمی کشور

فراز هشتم: یک مسئله هم مسئله نقش‌آفرینی در اقتصاد مقاومتی است که اقتصاد دانش بنیان پایه‌ی آن است. البته در این زمینه هم حرف زیاد زده‌ایم، دوستان هم مطالبی بیان کرده‌اند، دیگران هم گفته‌اند لکن آنچه در واقع عمل باید اتفاق بیفتد، هنوز اتفاق نیفتاده. بنده این را عرض بکنم؛ تازه گزارش مسئولین دولتی برای برنامه‌های اجرائی اقتصاد مقاومتی دست بنده رسیده؛ تازه چند

روز است! یعنی آنچه در واقع باید تحقق پیدا کند در اقتصاد مقاومتی، هنوز ما با آن فاصله داریم. خب، شما در دانشگاه در این زمینه نقش ایفا کنید؛ یعنی واقعاً بروید سهم خودتان را پیدا کنید و آن سهم را به معنای واقعی کلمه عمل کنید.

مفاهیم مرکزی فراز کلیدی هشتم:

۱-۸- پایه اقتصاد مقاومتی

۲-۸- محوریت کنشگری دانشگاه و دانشگاهیان

فراز نهم: یکی از پایه‌های محکم اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان است؛ اساس کار در اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان است؛ [زیرا] اقتصاد مقاومتی اقتصاد درون‌زا است، اقتصادی است که در داخل پایه‌های مستحکمی دارد که تکانه‌های بین‌المللی و جهانی و اقتصادی آن را از جا درنمیرد؛ این اقتصاد مقاومتی [است]، اقتصاد مقاوم. یکی از اساسی‌ترین پایه‌های این اقتصاد عبارت است از اقتصاد دانش بنیان؛ اقتصادی که متکی باشد به علم، این خیلی مهم است. خب، به نظر ما نخبه‌های جوان می‌توانند در اقتصاد دانش بنیان که در واقع ستون اصلی اقتصاد مقاومتی است، نقش ایفا کنند. چطور نقش ایفا کنند؟ خب، این طراحان لازم دارد. چه جور جوانهای ما نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؟ من جواب این سؤال را از شما می‌خواهم، بنشینید طراحان کنید، منتظر نمانید که دیگران طراحان کنند. شما جوان‌های نخبه در یکی از اجتماعات خودتان موضوع را همین قرار بدهید: چگونگی نقش‌آفرینی نخبگان جوان در اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد دانش بنیان. گروه‌هایی به وجود بیایند، گروه‌هایی تقسیم بشوند، کار کنند، فکر کنند، مطالعه کنند، با دست پُر در این اجتماع شرکت کنند، راه بدهند، آن وقت بنیاد نخبگان از این طرحی که از درون خود نخبگان بیرون آمده، حمایت کند، پشتیبانی کند. به نظر من یک تحوّل به وجود می‌آید؛ هم در زمینه‌ی فکر کردن و اندیشیدن و کار کردن، هم در زمینه‌ی واقعیت، روی زمین؛ در زمینه‌ی اقتصاد [هم] قطعاً تحوّل به وجود می‌آید.

مفاهیم مرکزی فراز کلیدی نهم:

۱-۹- پایه اقتصاد مقاومتی

۲-۹- واجد ویژگی درون‌زایی

۳-۹- مبتنی بر علم و دانش

۴-۹- بستر کنشگری جوانان و نخبگان

فراز دهم: اگر چنانچه این حرکت علمی با همین حواشی و دنباله‌هایی که دارد ادامه پیدا بکند - که یکی از آنها تشکیل همین شرکتهای دانش بنیان و روی آوردن به اقتصاد دانش بنیان [است] اینها از لوازم این حرکت علمی است که بحمدالله بتدریج راه افتاده است - کشور نجات پیدا خواهد کرد.

مفاهیم مرکزی فراز کلیدی دهم:

۱-۱- عامل نجات کشور

۱-۲- نشانه حرکت علمی کشور

بیانات مقام معظم رهبری، بر مدار یک منظومه و هندسه فکری است که می‌تواند تبیین‌گر رویکردهای دقیق و صائب ایشان در موضوعات مختلف باشد. ۱۰ فراز کلیدی یاد شده که منتخبی از اهم مباحث ایشان در حوزه دانش بنیان و با محوریت اقتصاد دانش بنیان است، نشان می‌دهد رهبر انقلاب از این مفهوم ناظر به یک موقعیت راهبردی و تحول آفرین در سرنوشت جامعه و کشور سخن می‌گویند؛ بدین معنا که اقتصاد دانش بنیان یک موضوع در کنار سایر موضوعات اقتصادی و علمی نیست، بلکه در تحول اقتصادی و رشد شتابان، پیشرفت و علاج مشکلات کشور، مدخلیتی اساسی دارد. لذاست که پس از یک دهه اشارات مکرر و متعدد به این حوزه در مناسبت‌ها و ایام مختلف، امسال باری دیگر این مفهوم بنیادین را در قالب «شعار سال» بیان نمودند که به تعبیر ایشان «عمده مقصود از نام‌گذاری سال‌ها، سیاست‌گذاری برای تحقق آن است»؛ و امید که با عنایت قوای اجرایی، تقنینی و نظارتی، به اولویت‌یافتن و محوریت پیدا کردن این مفهوم در برنامه ریزی‌های اساسی کشور در حوزه علمی، فناوری و اقتصادی، منجر شود.

منبع- خبرگزاری فارس (۱۴۰۱/۱/۳)

ترک فعل و اهمیت این موضوع برای دشمنان

نظام و رهبری

فرمایشی که رهبر معظم انقلاب در خصوص استغفار از ترک فعل فرمودند و آن توصیه‌ی معنوی و اخلاقی، در ماه رمضان را، به مسئولیت حاکمیتی پیوند دادند این تعبیر را خلق کردند که استغفار از ترک فعل، استغفار برای همه‌ی مؤمنین در همه‌ی ایام به ویژه در این ایام ماه رمضان توصیه شده و باعث می‌شود که انسان پیوندش با خدای متعال وسیع‌تر شود اما مسئولین به دلیل ابتلائات خودشان اشتباهاتی که به اقتضای مسئولیت ممکن است مرتکب شوند به همین مناسبت مقام رهبری نسبت به ترک فعل یک توجهی را دادند.

توضیحی که بخواهم عرض بکنم خاطره تاریخی است که من اخیراً در جایی می‌دیدم نسبت به یکی از کشورهای آسیای میانه که از شوروی سابق جدا شدند و در آنجا نقل شده بود که کا. گ. ب به رئیس جمهور آن کشور اطلاع داد که شما در کابینه خودتان جاسوس دارید و برای غرب جاسوسی می‌کند و باید پیدایش بکنیم. اینها هم بسیج شدند و نیروهای اطلاعاتی شآن، همه کابینه را از جمله اطلاعات رفت و آمدشان را زیر ذره بین قرار دادند تا ببینند چه کسی ممکن است ارتباطات غیر متعارفی داشته باشد به هیچ نتیجه‌ای نرسیدند عاجز شدند و دوباره به کا. گ. ب گفتند که ما نتوانستیم فرد را پیدا کنیم شما بیاید کمک بکنید که این را پیدا کنیم آن‌ها آمدند و معرفی کردند و گفتند معاون اول شما، یعنی نخست وزیر که نفر دوم در آن کشور محسوب می‌شود جاسوس است. بعد در یک جلسه‌ای ایشان را مورد بازخواست قرار دادند و اعتراف کرد که من جاسوس هستم از او سوال کردند که ما همه ارتباطات تو را زیر نظر گرفتیم تو هیچ ارتباطی با افراد خاص و غیرمتعارف نداشتی چطور جاسوسی می‌کردی، جواب داده بود که من هیچ ارتباطی با جایی و هیچکس نداشتیم و هیچ فرد دیگری هم همکارم نبود به همین دلیل هم شما نتوانستید مرا رصد کنید، اما سالیان پیش که به نوعی مراتب جاسوسی اش را مقرر کرده بود به او گفته بودند که از تو حمایت می‌کنیم که به مسئولیت برسی و فقط از تو یک چیز می‌خواهیم و آن این است که نگذاری کارهایی که باید به موقع انجام گیرد به موقع انجام شود و فقط به اصطلاح این بحث، مأمور ترک فعل بوده است و از طریق انجام ندادن کارها و یا به تأخیر انداختن کارها برای طرف مقابل خدمت می‌کرده و بهترین خدمت را انجام می‌داده است.

این صحبتی که بنده عرض کردم فقط یک برگ تاریخی است و اما طبیعتاً عبرت آموز است و ابداً به معنی اینکه خدایی نکرده ترک فعل‌هایی در طول این سال‌ها توسط مسئولین - که ممکن است در رده‌های مختلف اتفاق افتاده - ناشی از وابستگی سیاسی آن‌ها به جای دیگری بوده باشد نیست، اما این نشان دهنده اهمیت این موضوع برای دشمنان و رقیبان سیاسی کشور است که همین اندازه برایشان اهمیت دارد که رقیب آن‌ها کاری را که باید موقعی انجام دهد، انجام ندهد یا اصلاً توجه نکند که باید انجام دهد و به این ترتیب آن‌ها بتوانند به اهداف خودشان بهتر دست پیدا بکنند.

در گذشته چند دهه بعد از انقلاب طبیعتاً به ادله مختلفی که الان جای توضیح آن‌ها نیست ما با ترک فعل‌های مختلفی در زمینه‌های مختلف، یعنی فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رو به رو بودیم که بعضی از آنها البته ناآگاهانه بوده و بعضی هم آگاهانه یعنی از روی سهل انگاری و بی توجهی اتفاق افتاده است.

اینکه می‌گویم سهل انگاری به دلیل اینکه موارد مشخصی وجود دارد که چه توسط رهبری و چه توسط نیروهای دیگر انقلاب، تذکر و توجه شده است که باید به این مسائل بهتر و بیشتر رسیدگی کنیم و به دلیل تفاوت در دیدگاه‌هایی که وجود داشته تأخیر شده و به مخاطره انداخته است.

مصادیقی از ترک فعل‌ها

مثلاً من نمونه‌هایی از ترک فعل را عرض بکنم، مسأله پرورش نسل جدید انقلابی یکی از ترک فعل‌هایی بود که ما با وجود اینکه نظام آموزش و پرورش را در اختیار جمهوری اسلامی بوده است الان داریم لطماتش را می‌بینیم، ترک فعل در مسأله حاشیه نشینی و شکل‌گیری حاشیه نشینی‌های آزار دهنده و به شکلی که محل بعضی از مفاصل اجتماعی به طور طبیعی قرار گرفته، نمونه‌ی دیگری است که کم توجهی کردیم. ترک فعل در مسأله گسترش و افزایش جمعیت و تشویق و ایجاد بسترها که باز ما داریم آسیب‌هایش را می‌بینیم.

در مسئله‌ی ترک فعل در مراقبت از آسیب‌هایی که فضای مجازی به فرهنگ کشور می‌زند و چه نفوذ فرهنگی که از طریق فضای مجازی توانسته است در کشور اتفاق بیفتد به بهانه آزادی در کشور رها شده و الان هم هنوز در طرح صیانت مورد توجه و دستور کار مجلس است بعضی با شعار اینکه خلاف آزادی است در نسبت با مراقبت‌هایی که باید صورت بپذیرد مقاومت می‌کنند. و مواردی از این قبیل ترک فعلی که نسبت به فرمایش رهبری که توجه دادند که متمم اصل ۴۴ قانون اساسی این گونه که ما انتظار داشتیم اتفاق نیفتاد به همین دلیل مشارکت مردم در حوزه اقتصاد درست شکل نگرفت که اگر شکل می‌گرفت طبیعتاً ظرفیت کشور برای مواجهه با تحریم‌های

اقتصادی بیش‌تر نظارتی بود و باز یک نمونه دیگر از ترک فعل‌هایی است که اتفاق افتاده است. باز مسأله وابستگی اقتصاد به نفت است که یکی از موارد ترک فعل است که خود ایشان نسبت به آن تصریح کردند که اگر از همان موقع کار جدی شروع شده بود ما الان وضعیت بهتری را در این خصوص داشتیم یا منابع نفت را می‌توانستیم هم دشمن نمی‌توانست ما را تحت تحریم نفتی قرار دهد و هم اینکه اگر منابع ثروتی از فروش نفتی‌مان گیرمان می‌آمد می‌توانستیم خرج مسائل اصلی تر و اصولی‌تری بکنیم در هر صورت این شعاع این ترک فعل‌ها را اگر نگاه بکنیم می‌بینیم عرض گسترده‌ای است و گاهی گسترده‌تر و وسیع‌تر از فعل‌هایی که اشتباه بوده آسیب زده است.

همواره رهبری نسبت به ارتباط معنوی مسؤولین با خدای متعال توجه داشته‌اند و همیشه یکی از توصیه‌های ایشان به همه مسؤولین در طول ادوار مختلف بوده است و طبیعتاً در مناسبت‌های خاص همان طور که برای همه‌ی مردم امکان و زمینه شرایط بهتر و تأثیر گذاری بیشتری در آن مهیا است نسبت به مسؤولین طبیعتاً این ارتباط بیشتر وجود دارد. شاید توجه ایشان به این بوده است که مسؤولین فکر نکنند به دلیل اینکه اشتغالات زیادی دارند مسوولیتزایدی متوجه‌شان نیست و این حمایت و عنایت الهی به صورت طبیعی و قهری متوجه آن‌ها است! بعضی کارهایی که از افراد عادی خواسته می‌شود که بخشی از وقت شأن را برای امور معنوی و ارتباط با خدا بگذرانند، آن‌ها همچنین مسؤولیتی ندارند و می‌توانند از این مساله معاف شوند! توجه می‌دهند به

اینکه مسولین خودشان را از این جهت نیازمندتر از بقیه مردم ببینید و به همین خاطر باید وقت بگذارید و پیوند معنوی خودتان را با خدای متعال زیادتر و تواضع و التماس و خضوع و خشوعتان به درگاه الهی طبیعتاً بیشتر باشد.

زمانی که بشر احساس خودپسندگی و خود اتکایی می‌کند و احساس می‌کند که خودش است که می‌تواند از پس مسائل خودش سوالات خودش مسوولیت‌های خودش برپا یابد و طبیعتاً همان طور که در فرهنگ اهل بیت نسبت به آحاد مؤمنین امری نکوهیده شمرده شده است. در روایات داریم که کبر فقط برانزده‌ی خدای متعال است.

در مسؤولین این خودپسندگی تجلی یکی از جلوه‌هایی که می‌تواند بکند و اگر بکند به نوعی آسیب‌زا است این است فکر کنند افراد و مسؤولین، که ما نیاز به دیگران نداریم و با اختیاراتی که داریم و اعوان و انصاری در گروه خودمان هستند هم حزب خودمان هستند ما را تشویق می‌کنند می‌توانیم بر مسائل فائق بیاییم.

حتی طبیعتاً رقبای ما که ممکن است نگاه انتقادی به ما داشته باشند اگر ما خودمان را بی نیاز از انتقاد آن‌ها احساس کنیم و یا در جاهایی بی نیاز از حمایت آن‌ها احساس کنیم طبیعتاً ممکن است غرور به ما دست دهد و خودپسندگی و عجب ما را فرا بگیرد و به همان میزان این خود پسندگی باعث شود که همراهی و توان افزایشی که به واسطه همراهی دیگران می‌تواند وجود داشته باشد از آن محروم شویم و اگر محروم شدیم آن وقت توان مان تحلیل می‌رود و آن توان ظرفیت اینکه بتواند مشکلات عظیم را به ویژه با دشمنی دشمنان را به نوعی مقابله کند نخواهد داشت. البته آن طرف قضیه هم وجود دارد که وقتی می‌گوئیم مسؤول باید چترش باز باشد و نیروهای انقلاب و دلسوزان کشور را فرا بگیرد معنی ش این نیست که لزوماً و حتماً این اتفاق می‌افتد یا باید بیفتد به دلیل اینکه تبعاً هستند در کشور جریان‌های فکری افرادی که حسن نیت ندارند و اگر انتقاد هم می‌کنند انتقادشان با حسن نیت و باعث پیشرفت کشور نیست بلکه صرفاً برای زمین زدن رقیب است و برای زمینه چینی و به دست گرفتن قدرت در آینده است طبیعتاً حساب این نوع از افراد جدا است.

مسئله انفعال که رهبری به مساله بن بست‌ها توجه کردند و فرمودند در بن بست قرار گرفتن یا احساس قرار گرفتن در بن بست باعث انفعال می‌شود توضیحی که می‌خواهم راجع به آن عرض کنم این است که این احساس بن بست چه موقعی اتفاق می‌افتد و طبیعتاً اگر این را توجه کنید ریشه این انفعال طبیعتاً مشخص می‌شود. بن بست وقتی اتفاق می‌افتد که انسان یا مسؤولین محترم یا کارشناسان کشور احساس کنند که ما بدون حمایت سیاسی کشورهای غربی به ویژه اروپا و آمریکا نمی‌توانیم به حیات سیاسی خودمان ادامه دهیم و آرامش را در کشور و منطقه برقرار کنیم.

بن بست وقتی احساس شود که یک انفعال علمی و فناورانه کشور، جوانان و تحصیل کرده‌گان ما را در بر بگیرد به این معنا که ما بدون تکیه به علم و فناوری پیشرفته‌ای که در اختیار تمدن غرب است نمی‌توانیم به پیشرفت‌های علمی و فناورانه دست پیدا کنیم

به عبارت دیگر این بن بست‌ها در همه این زمینه‌هایی که عرض کردم ناشی از یک نوع دگر اندیشی است که انسان حل مسائل خودش را در دست دیگران جستجو کند پیش از آنکه به توان خودش و امدادی که خدا متعال می‌رساند وابسته ببیند.

طبیعتاً همان‌طور که مدیران جهادی ما در طول دفاع مقدس و بعد از دفاع مقدس بر محور گم م ن فئیه فلیله غلبت فئه کثیره باذن الله حرکت کردند اگر با این محور معادله خودش را حل کنند طبیعتاً بن بست شکن خواهند بود نه فقط در عرصه نظامی که بیشتر خودش را نشان می‌دهد بلکه در عرصه امنیتی و عرصه فرهنگی و اقتصادی هم این مساله می‌تواند بیش از گذشته خودش را نشان دهد. انفعال در حالت بن بست انگاری اتفاق می‌افتد این بن بست انگاری وقتی که انسان

خودش را در حل مشکلات وابسته به دیگرانی ببیند که آن دیگران کمک نمی‌کنند و کمک خودشان را مشروط به مواردی می‌کنند که مسائل کشور آن را اقتضا نمی‌کند اما اگر ما یک تعامل سازنده‌ای را با اقصی نقاط دنیا و نخبگان عالم و منابعی که در همه عرصه گیتی گسترده است داشته باشیم و از طرفی ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه‌ای که در کشور وجود دارد منابع طبیعی و مهم‌تر از آن منابع انسانی سرشاری که کشور که به ویژه با توجه به خرج تحصیل کردگان در کشور شده بتوانیم اینها را در مسیر درست خودش استفاده کنیم طبیعتاً هیچ‌گاه احساس بن بست نمی‌کنیم و اگر هم در بن بست گیر کردیم منفعل نخواهیم شد.

منبع: خبرگزاری مهر (۱۴۰۱/۲/۴)

دانشگاه مهد آرمان خواهی، آرمان گرایی و عقلانیت است.

فرهنگ و دانشگاه

هویت دانشگاه در حضور جریان‌هایی است که تجلی عقلانیت و آرمان خواهی هستند؛ دانشگاه مهد آرمان خواهی و آرمان‌گرایی و عقلانیت است و دانشگاه همواره اینگونه بوده است.

دانشگاهیان بصیر پس از انقلاب در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، عمرانی و علمی و فناوری تأثیرات شگرفی داشته‌اند. به صورت خاص، جریان‌های دانشجویی مهم و اصیلی در دانشگاه حیات داشته و همواره منشا اثر بوده‌اند.

دانشجویانی که به تعبیر زیبای حضرت امام حقیقتاً چشمان نگران نظام بودند و اگر نقد و انتقادی نیز داشتند و دارند نه از باب کینه و عداوت، که از بابت نگرانی و تعلقی بوده که به نظام داشته‌اند.

آرمان‌گرایی بدون لحاظ واقعیات منجر به هرج و مرج و شورش‌های کور و نابهنگامی می‌شود که هزینه‌های بسیاری برای جامعه به بار خواهد آورد و در مقابل واقع‌گرایی صرف و عدم توجه به آرمان‌ها ما را غرق در محافظه‌کاری و پذیرش وضع موجود با تمام نواقصش خواهد کرد. اما ترکیب آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی فضای را برای اصلاح امور به سمت آرمان‌ها خواهد گشود و سرمایه اجتماعی و انسانی کشور و امید به آینده را ارتقا خواهد بخشید.

به همین جهت است که جریان‌های معاند و دشمنان قسم خورده این مرز و بوم از تمامی امکانات خود، بالاخص امکانات رسانه‌ای خود استفاده می‌کنند تا مطالبات مردم ایران را از این مسیر خارج کنند. آنها مغرضانه، سعی دارند تا مانع هرگونه تحول مثبتی در جامعه شوند و با استفاده از انواع تکنیک‌های رسانه‌ای و شناختی سعی دارند تا مطالبات بحق مردمی که از مسیرهای مرسوم خود قابل حل هستند منحرف و رادیکال نمایند.

نقش دانشگاهیان در مطالبات

دانشگاه باید از ظرفیت بی نظیر خود در جهت مسائل کشور استفاده کند. دانشگاه نماد بارز شعار «ما می توانیم» است و با گره گشایی خود می تواند امید را در دل‌های مردم کشور زنده کند. کما اینکه تاکنون نیز دانشگاه‌ها چنین خدماتی داشته‌اند. خدماتی که دانشگاه به انقلاب داشته و متقابلاً خدماتی که انقلاب به دانشگاه داشته است؛ انقلاب به دانشگاه هویت، جهت، معنا و استقلال داد و دانشگاه نیز در مقاطع مختلف سعی کرده است تا در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب و مردم مظلوم ایران بکوشد.

بررسی اهمیت دانشگاه فراتر از یک نگاه فن سالارانه مستلزم، یک نگاه فرهنگی دقیق و عمیق است. دقیق تر بگوییم، بدون تقویت عناصر و سویه‌های فرهنگی دانشگاه، دستیابی به این اهداف و آرمان‌ها و کمک به حل مسائل کشور محال است. فرهنگ است که به دانشگاه جهت می دهد، فرهنگ است که به حیات دانشگاهی معنا و هویت می دهد. فرهنگ است که تعلق می آفریند و دانشگاهیان را با مسائل و آلام جامعه مرتبط می‌سازد و آن‌ها را به حل آنها ترغیب می کند. متأسفانه واقعیت این است که در این سالها، نه فقط بواسطه شیوع کرونا، که اساساً به دلیل غلبه نگاه فن سالار و غیرفرهنگی،

امر فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها حاشیه ای تلقی شده بود و لطمات زیادی را به دانشگاه‌ها وارد ساخت و دانشگاه را از رسالت خود دور ساخت. غافل از اینکه، حتی اگر توسعه علمی و فناوری را هدفگیری کنید، این هدف بدون اتکا به فرهنگ که معنابخش کنش‌هاست ناممکن است.

اساساً دانشگاهی که قرار است انسان بسازد و تربیت کند، دانشگاه که قرار است مسئولیت اجتماعی داشته باشد و کنشگران مسئول تربیت کند، دانشگاهی که دانش آموختگانش قرار است به مردم خدمت کنند، بدون توجه به فرهنگ نمی تواند به این اهداف دست یابد.

۳۱

البته، خوشبختانه، علی رغم مشکلات عدیده‌ای که دانشگاه‌ها با آن دست به گریبان هستند، وزیر محترم علوم به تمامی دانشگاه‌ها ابلاغ کردند که ۳ درصد از بودجه خود را به فعالیت‌های خود اختصاص دهند. این رقم آنگاه به چشم می آید که بدانیم بودجه فرهنگی دانشگاه‌ها در سال ۱۴۰۰ زیر سه دهم درصد (۰.۳ درصد) بوده است.

جهت‌گیری مهم دیگری که در دستور کار فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها قرار گرفته است، توجه توأمان به تمامی ذی ربطان در برنامه‌های فرهنگی یعنی اساتید، کارکنان و دانشجویان است که بر این اساس، کنشگر و مخاطب فعالیت‌های فرهنگی هر سه گروه اساتید و دانشجویان و یاوران علمی یا همان کارکنان هستند.

مسئولیت اجتماعی و رتبه بندی دانشگاه‌ها و دانشگاهیان

آیین نامه ارتقا و حتی شاخص‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در حال بازنگری است و مسئولیت اجتماعی نقش کلیدی و مهمی در این آیین‌نامه‌ها ایفا خواهد کرد. چرا که دانشگاه اگر به مسئولیت خود در قبال انقلاب و مردم توجه نکند و نسبتی با مسائل واقعی مردم نداشته باشد و آستین همت برای حل علمی و دقیق مسائل کشور بالا نزند بتدریج از کانون توجه ملت بیرون خواهد رفت و به سرنوشت روشنفکران غربزده ای دچار خواهد شد که هیچ نسبتی با تاریخ و تمدن ایران نداشته و لذا جایی در دل مردم باز نکردند و حذف شدند.

سخنرانی دانشگاه تبریز، منبع - سایت اداره کل روابط عمومی وزارت عتف (۱۴۰۱/۲/۱۷)

در پیوند سبک زندگی اسلامی با اقتصاد؛ مبانی اخلاق اقتصادی را مراعات نکردیم.

فرهنگ و دانشگاه

در بررسی مکاتب و جوامع مختلف، دین مبین اسلام نسبت به فضائل و ارزش‌های اخلاقی تأکیدات فراوانی دارد و به خاطر همین اصل تأکیدات است که رسول گرامی اسلام (ص)، علت بعثت و ساختار دین مبین اسلام را بر پایه و اساس اخلاق معرفی نموده است. اینکه حضرت رسول (ص) فرمودند «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» به معنای این است که پایه و مبنای دین مبین اسلام اخلاق است و بر همین مبنا اگر بخواهیم امروز، گفتمان جهان اسلام را در عرصه‌های فردی و اجتماعی و در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیان کنیم، بهترین گفتمان، گفتمان اخلاق است به این خاطر که

یکی از مهمترین شاخص‌های اصلی یک فرد مسلمان اخلاق اوست. اخلاق اقتصادی یکی از مهمترین بخش‌های اخلاق در دین اسلام است

از مهمترین نمودهای اخلاق در دین اسلام می‌توان به اخلاق در عرصه اقتصاد اشاره کرد، چراکه در بحث رقابت، بازاریابی، سود و منافع و... آنچه مهم است رعایت اخلاق و ارزش‌هاست. با توجه به تأکیدات فراوان دین اسلام به بحث اخلاق در عرصه اقتصادی و با توجه به اینکه مبنای اصلی در امتحانات الهی برای انسان در همین بحث اقتصاد گنجانده شده، به این دلیل که بحث ثروت، قدرت، و سود و منافع مطرح است. به تعبیری در اخلاق اقتصادی این نکته مهم است که اگر مبانی تفکری و ایدئولوژی هر فرد را بررسی کنیم، خواهیم دید که هر شخصی که پایبند به اخلاق اقتصادی باشد، طبیعتاً نتیجه آن چیزی جز احیای کرامت و ارزش‌های الهی نخواهد بود.

۳۳

اما اگر مبنا تفکر سرمایه داری غربی باشد، قطعاً نتیجه‌اش نظام سرمایه داری است که انسان در آن همانند یک ماشین و ابزاری است که بُعد روحانی و کرامت و ارزش‌های انسانی آن پامال می‌شود، حتی ما شاهد هستیم که

در نظام سرمایه داری غربی، در رابطه با جنسیت‌ها خصوصاً زنان، با نگاه تجارت و سودآوری به انسان نگاه می‌کنند، در واقع به عنوان یک کالا به آدمی نگاه می‌کنند و برای سودآوری از آن استفاده می‌کنند.

از مهمترین تبعات دیدگاه سرمایه داری غربی، ایجاد فاصله طبقاتی بین مردم و در نتیجه ایجاد قدرت و استعمار عده‌ای توسط عده دیگری است اکنون در دوره‌ای هستیم که بحران‌ها و چالش‌های اقتصادی جدی و میز تحلیل ارزش‌های اخلاقی در عرصه اقتصاد را شاهد هستیم. به تعبیری پیشرفت‌های جدی را در بخش علم و صنعت و اقتصاد شاهد هستیم و این باعث شده که روحیه کاخ نشینی، استعمار و حذف منافع اجتماعی در جوامع مختلف گسترش یافته و به سوی کامیابی و لذت‌های مادی پیش رفته و در مقابل آن ستون‌های اخلاق و ارزش‌های معنوی انسان به سمت فروپاشی می‌رود. در این موقعیت، بهترین راهکار پیوند ارزش‌های اخلاقی با اقتصاد است و اگر این امر شکل بگیرد، قطعاً جامعه به سمت حق، فلاح، رستگاری، سعادت‌مندی و آسایش و آرامش پیش می‌رود.

اولین مبنا و اصلی که به عنوان اصول اخلاق اسلامی در اقتصاد بیان می‌شود، این است که خود اقتصاد اصل نیست، بلکه به عنوان یک وسیله مطرح است.

به عبارتی باید ارزش‌های الهی را اصل بدانیم و اقتصاد را ابزاری برای رشد، تعالی، رفاه، آرامش و معنویت انسان. و هیچگاه انسانیت و اخلاق نباید فدای منافع اقتصادی شود. در دین اسلام یک اصلی وجود دارد به نام «لاضرر و لاضرار»، به تعبیری در منابع قرآنی و روایی توصیه شده که «نه به خودت و نه به دیگران ضرر نرسان». اگر این اصل به عنوان اخلاق اقتصادی در نظر بگیریم. دیگر شاهد بدخلقی‌ها، تکاثر، احتکار و فساد اقتصادی و برخی اتفاقات در عرصه اقتصاد نخواهیم بود. سومین نکته نیز اصل جلب منفعت اجتماعی است، به تعبیری اگر شخصی دارای اخلاق اقتصادی باشد، منفعت اجتماعی را فدای منافع شخصی نمی‌کند، اتفاقی که متأسفانه هم اکنون در جامعه ما بالعکس اتفاق می‌افتد و بعضاً منافع عموم مردم فدای منافع شخصی در عرصه اقتصادی می‌شود و حتی منافع جمعی مردم فدای منافع گروه، حزب و مجموعه‌ای خاص می‌شود. همه ما می‌دانیم که اقتصاد بر سه محور تولید، توزیع و مصرف، استوار است و اگر در عرصه تولید، توزیع و مصرف اصل صداقت و دوری و پرهیز از فریب و کم فروشی صورت بگیرد، نتیجه خوبی را در اقتصاد شاهد خواهیم بود.

شخصی که اخلاق اقتصادی دارد، حتماً مبنای احسان و نیکوکاری در وجود اوست، رسیدگی به امور مسلمین، نیازمندان و حاجتمندان، یکی از نیازهاست،

البته اصل احسان و نیکوکاری نباید به گونه‌ای باشد که به ایجاد فقر در جامعه دامن بزنیم و بعد تلاش کنیم برای رسیدگی به نیازمندان،

متأسفانه در برخی موارد شاهدیم که برخی از شرکت‌ها و کارخانه‌ها اصطلاحاً در جای دیگری فقر ایجاد می‌کنند و سپس در قالب یک مؤسسه خیریه، به انفاق و نیکوکاری اقدام می‌کنند. به هر حال نه تنها در عرصه تولید، توزیع و مصرف بلکه در عرصه‌های بازاریابی نیز باید روحیه احسان و نیکوکاری وجود داشته باشد و در نتیجه هم اگر منابع حلالی وجود داشت، رویکرد احسان و نیکوکاری را نیز در پیش گرفت.

آخرین نکته اصل مبارزه با فساد است. اگر فردی اخلاق اقتصادی داشت، هم خود او و هم مجموعه تحت نظارتش، نباید اهل فساد باشند. اگر هم فساد اخلاقی و هم مالی در مجموعه دیده شد، باید با آن سفت و سخت مقابله کرد، هم با اصل فساد و هم با مفسدین، این نکته مهمی است که ما برخی مواقع با مفسدین مبارزه می‌کنیم، اما با فساد که ریشه ایجاد مفسدین است مبارزه نمی‌کنیم. به هر حال اگر این اصول و مبانی را در نظر بگیریم، یقین بدانید که این موارد مهمترین عامل برای رشد و توسعه اقتصادی در کشور ما خواهد بود، اگر ما شاهد آن هستیم که رشد و توسعه اقتصادی کاهش یافته و در کنار آن شاهد فاصله طبقاتی و فقر در جامعه هستیم و سطح رفاه مردم به حداقل رسیده، علت همه اینها این است که ما مبانی اخلاق اقتصادی را مراعات نکردیم.

در تولید و توزیع و مصرف هم باید رعایت اصول اخلاقی، ارزش‌های انسانی و کار و تلاش اتفاق بیفتد، اهتمام واقعی به کار، در کنار پرهیز از ربا و کم فروشی و... حتی در مصرف عموم مردم، پرهیز از اسراف و حرص و طمع و.. و رویکرد سخاوت و قناعت شاخصه‌هایی است که باید بدان توجه داشت. مهمترین شاخصه برای تحقق اخلاق اقتصادی در جامعه، خود خانواده است، چراکه ساختار تربیت و شخصیت انسان فضائل و ویژگی‌های اخلاقی و... در خانواده شکل می‌گیرد و البته بخش مهم دیگر آن آموزش و اجتماع است.

مهمترین شاخصه‌های تحقق بحث اخلاق اقتصادی، بحث تربیت فضائل و روحیه اخلاق الهی و انسانی در خانواده شکل می‌گیرد، حتی رشد اخلاق و پیشرفت و تعالی انسان نیز در خانواده شکل می‌گیرد،

در خانواده نیز باید چارچوبی برای بحث اقتصاد خانواده طراحی شود.

فرزندان، آئینه اخلاق والدین

عملکرد و توجه والدین به مباحث اخلاقی، یک بعد مهم در این زمینه است، چراکه فرزندان آئینه اخلاق و رفتار والدین هستند. نکته بعدی نوع تربیتی است که در خانواده اتفاق می‌افتد. یعنی محیط خانواده اگر محیطی باشد که نوع نگاه، دیگر دوستی، نوع دوستی باشد نگاهش این باشد که به دیگران ظلم نکند، نگاهش قناعت باشد، نگاهش دوری از ظلم باشد نیکوکارانه باشد، نگاهش قناعت باشد و زهد و پرهیز از اسراف و تبذیر باشد و نگاهش عدم تکاثر و تسلط و ظلم به دگران و استعمار دیگران باشد در این تربیت من اگر در عرصه اقتصاد اجتماع هم ورود کردم، اخلاق اقتصادی ام بر مبنای دین مبین اسلام خواهد بود. اگر اصولی که برای اقتصاد عرض شد در تربیت خانواده شکل بگیرد قطعاً نتیجه‌اش در جامعه بهتر خواهد بود و به تعبیری اخلاق اقتصادی در جامعه نهادینه خواهد شد. اگر مبنای خانواده بر اساس ایدئولوژی الهی و بر اساس ارزش‌های الهی و انسانی باشد، قطعاً در ابعاد مختلف زندگی روش و رفتارها به سمتی می‌رود که در آن انفاق، اعتدال، میانه روی، احسان و نیکوکاری و قناعت وجود خواهد داشت، یعنی چون شخص به تعبیری ایدئولوژی الهی دارد، در زندگی وی خمس و زکات و ساده زیستی، بخشش و شکرگزاری به عنوان شاخص وجود دارد و در کنار آنها، دوری از رذائل اخلاقی که یکی از شاخصه‌های مهم سبک زندگی اسلامی ایرانی است، یعنی پرهیز از اسراف و مصرف گرایی، چشم و هم چشمی و... قطعاً در این مجموعه، خواهد بود.

خانواده نباید از هر سبک و روش تربیتی در جامعه تقلید کند بخش مهم دیگر عدم تغییر روش‌ها و منش‌های خانواده بر اساس تغییر منش‌ها و روش‌های سبک زندگی جامعه است، برخی از سبک زندگی‌ها بر اساس اینکه سبک زندگی مادی است، جذابیت دارد، مثل سبک زندگی غربی که چون بر اساس مبانی لذت‌جویی و لذا ید طراحی شده که خود به خود جذابیت‌هایی دارد و بر اساس همین جذابیت‌ها زندگی انسان سمت و سو پیدا می‌کند. بعضاً نوع خوراک و پوشاک شان تفاوت پیدا می‌کند. نوع گفتمان تفاوت پیدا می‌کند، رفت و آمد و نوع آشپزی، نوع ساختمان سازی، نوع رفاهیات و با تغییر هر کدام قطعاً اقتصاد خانواده هم تغییر پیدا می‌کند. بر این اساس هر چقدر غرایض لذت جوی انسان در اوج قرار بگیرد برای اینکه پاسخ این غرایض را بدهند اقتصاد خانواده را تحت الشعاع قرار می‌گیرد و چون غرایز آدمی نامحدود است، و تنها پاسخ به نیازش برایش مهم است، ممکن است از نظر اقتصادی حتی خانواده را دچار مشکل کند. ممکن است تمام فضائل انسانی و اخلاقی را زیر پا گذاشته و زمانی که ستون‌های اصلی از بین رفت، انسان از ساختار انسان مداری خارج می‌شود، تلاش می‌کند حتی از اعضای خانواده خویش سبقت بگیرد تنها برای اینکه با غرایض خود پاسخ دهد. غرایزی که بر اساس لذت چیده شده و مدیریت عقل در اقتصاد خانواده را از بین می‌برد. به همین خاطر در جامعه

شاهدیم که به جای هدف گذاری برای آرامش و آسایش خانواده؛ نتیجه این شده که همه مردم، شبانه روزی کار می کنند، تا به آسایش برسند، اما تماماً زندگی مردم با عدم آسایش و آرامش همراه است،

بر همین اساس بهترین ساختار و بهترین راهکار پیوند ارزش های اخلاقی با اقتصاد در جامعه است و نکته بعدی هم پیوند سبک زندگی اسلامی با اقتصاد خانواده است.

منبع: خبرگزاری مهر (۱۴۰۱/۲/۱۸)

سیاست فرهنگی حداقل باید نسبت به مسائل اجتماعی بی‌قرار باشد.

فرهنگ و دانشگاه

بازسازی انقلابی ساختار فرهنگ می‌خواهد میان راه‌حل‌های اصلاح‌گرایانه خرد و یک راه‌حل بنیادین، تفکیک قائل شود. منظور از بازسازی انقلابی، یک بازسازی بنیادین است.

شاید پیش از آنکه مقام معظم رهبری سخن از بازسازی انقلابی ساختارهای فرهنگی به میان بیاورند، ارزیابی‌ها و تحلیل‌هایی توسط نهادهای رسمی از وضعیت فرهنگی کشور وجود داشته است؛ اما این ارزیابی‌ها نوعاً مشکلات و مسائل را به کارگزاران یا محتوای سیاست‌ها و چیزهایی از این قبیل ارجاع می‌دادند و به عنوان مثال، عدم تشکیل جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی، عدم اهتمام رئیس جمهور و نقصان سیاست‌ها از جمله موانع این امر تلقی می‌شد. اما به نظر می‌رسد تعبیر مقام معظم رهبری، اشاره به به یک بحران اساسی‌تر دارد که این بحران در سطح کارگزار و محتوای سیاست‌ها نیست، بلکه در سطح ساختاری است و هرچند بازسازی انقلابی ساختار فرهنگ به معنای دور ریختن تمامیت ساختار موجود نیست؛ اما حداقل به این معنا می‌تواند باشد که مدیران و نهادهای فرهنگی فعلی با نگرش‌های موجود، دیگر نمی‌توانند متولی بازسازی خود هم باشند.

به نظر می‌رسد آنچه ساختار فرهنگی را در وضعیت نامطلوب فعلی قرار داده است، مسئله کلانی با عنوان فاصله بین فرهنگ و امر مدنی یا به عبارتی، فاصله میان فرهنگ و جامعه است.

در این خصوص، مفهومی به نام «حک‌شدگی» وجود دارد که اشاره به این واقعیت دارد که اقتصاد باید در دل مناسبات اجتماعی با فرهنگ، سیاست و جامعه درهم‌تنیده باشد و اگر به عنوان یک خرده‌نظامی مستقل از منطق جامعه عمل کند، نظام سرمایه‌داری شکل می‌گیرد. تعبیر دینی برای توصیف وضعیت مورد نظر، معیت دعوت اسلامی و عدالت اجتماعی، به معنای توزیع برابر ثروت و فرصت است.

در نگاه اباعبدالله الحسین (ع)، مؤمنین به این دلیل ولایت دارند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. حضرت سپس توضیح می‌دهد که به این دلیل از این مسئله شروع کرد که مهم‌ترین چارچوب فرایض و ارزش‌های الهی، امر به معروف و نهی از منکر است که عبارت است از دعوت به اسلام با چند ویژگی یا چند فرایند: ۱. رد مظالم؛ ۲. مخالفت با ظالم؛ به این معنا که اموالی که به صورت ناعادلانه توزیع شده است، باید عودت داده شود. ایشان می‌فرماید نه تنها اموال باید برگردد و با ظالم مخالفت شود، بلکه غنایم و درآمدهای عمومی نیز باید بین مردم تقسیم شده و حتی در اختیار حاکم اسلامی هم انباشت نشود؛ یعنی یک چرخه و نظام مالیاتی وجود داشته باشد که از آنجایی که «باید» مالیات بگیرد و در آنجایی که باید هزینه شود و این همان قسط یا عدالت اجتماعی است.

اگر رابطه فرهنگ و جامعه قطع شود، یک سلسله فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی بدون توجه به نحوه توزیع ثروت در جامعه شکل می‌گیرد و شورای عالی به طراحی سیاست فرهنگی و سیاست‌گذاری برای جامعه‌ای می‌پردازد که توزیع ثروت در آن به فاصله هشتاد یا نود برابری حقوق افراد انجامیده است.

در معادله سیاست فرهنگی ما، وضعیت اجتماعی اصلاً متغیر مؤثری نیست و برای سیاست فرهنگی مهم نیست که در جامعه چه وضعیتی در حال شکل‌گیری است.

البته اینجا مقصود، بیان تأثیر این نوع نگاه به فرهنگ بر مسئله نابرابری اجتماعی نیست، بلکه مراد این است که وقتی چنین تفکیکی رخ دهد، اشرافیت فرهنگی شکل می‌گیرد؛ یعنی یک نوع برآمدن فرهنگی که در تعامل با جامعه، نابرابری اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت نیست، بلکه در تعامل با قدرت قرار دارد و در بسیاری از مواقع، سعی می‌کند کمبودهای خود را با اقتدار سخت سیاسی حل کند. در این صورت، این نوع از سرمایه‌داری فرهنگی که سیاست فرهنگی هم به آن مبتلا شده، به‌طور طبیعی در موضع استعلا قرار می‌گیرد؛ یعنی نگاه سیاست فرهنگی به مردم به این شکل خواهد بود که من می‌خواهم نگاه بالا به پایین داشته باشم و به هدایت و صیانت شما بپردازم.

صورت‌بندی این مسئله، دو بخش یا دو سطح را شامل می‌شود؛ شکاف بین دعوت یا همان امر به معروف با امر اجتماعی فرهنگ و شکاف امر مدنی با امر فرهنگی. برای پاسخ به اینکه برای حل این شکاف چه باید کرد، ابتدا به برخی تبعات این شکاف اشاره می‌کنیم و سپس پاسخ مختصری به آن خواهیم داد. اما ساده‌ترین راه حل این مسئله، عبارت است از بی‌توجهی نکردن به مسائل اجتماعی از موضع فرهنگی؛ یعنی سیاست فرهنگی حداقل باید نسبت به مسائل اجتماعی بی‌قرار باشد یا به عبارت دیگر، اگر مسئله قابل حل نیست، حداقل می‌توانند آن را بفهمند و به خون سرمایه‌داری

زالوصفت تشنه باشند. سیاست فرهنگی نمی‌تواند سیاست‌گذاری اقتصادی کند؛ ولی می‌تواند از نتایج نابرابری اجتماعی برکنار نباشد.

وقتی فرهنگ از مناسبات اجتماعی خارج شود، همچنان که وقتی اقتصاد خارج می‌شود، این فرهنگ، برجسته و برآمده می‌شود و ظاهر ماجرا این است که بیشتر به فرهنگ توجه می‌شود. در انتهای دهه ۹۰ چندین برابر ابتدای دهه ۷۰ نهادهای فرهنگی پدید آمده‌اند تا مناسبت‌ها و شعائر مختلف دینی را بر عهده بگیرند؛ اما درعین حال، از سهم این نهادها در فرهنگ عمومی کاسته شده و این نهادها، یک بخش کوچک‌تری از فرهنگ عمومی را در دست دارند و به‌طور روزافزون نیز از نقش آن‌ها در این عرصه، کاسته می‌شود.

در لایحه بودجه ۱۴۰۱ یک و نیم درصد از کل بودجه کشور، بودجه فرهنگی است و به‌طور طبیعی ۷۰-۸۰ درصد از این ۱/۵ درصد، به صورتی اجتناب‌ناپذیر به دستمزدها اختصاص می‌یابد؛ بنابراین،

بودجه برنامه‌ای حوزه فرهنگی تقریباً نیم درصد کل بودجه کشور است که این نیم درصد نیز در میان ۵۰ نهاد توزیع می‌شود.

بسیاری از این نهادها اساساً ذی‌حسابی ندارند؛ یعنی رقم‌های ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلیارد کمک دریافت می‌کنند، اما کسی از آن‌ها سوال نمی‌کند که این مبالغ در کجا هزینه شده است. به عبارتی، گزارش تفریح می‌گوید این مبلغ به این نهاد داده شد، اما نمی‌گوید کجا هزینه شد و آیا عملیاتی صورت گرفت که منتهی به هدفی شود یا خیر یا چه مقدار به چنین هدفی دست یافت.

پیامد این مسئله این است که برنامه‌های فرهنگی، بر اساس صلاح‌دید مدیر مجموعه و کادر مدیریتی هر نهاد و به اصطلاح، به صورت «به فرموده» تعیین می‌شود و این وضعیت سبب می‌شود یک طیف مدیریت فرهنگی در هر سازمان شکل بگیرد که سرنوشت فرهنگ، به فرموده آن‌ها تعیین می‌شود و به‌طور طبیعی این مدیران در موضع استعلا قرار می‌گیرند.

برای ساختار دولت هم اهمیتی ندارد که چه مقدار به این نهادها تقدیم کند؛ مهم، همراهی این نهادها با دولت، آن هم نه با دولت به معنای سیاسی، حزبی و جناحی، بلکه با ساختار دولت است. محاسبات دولت درست است؛ اما موضوع این است که تمام این اعتبارات حوزه فرهنگ، صرف بازتولید اشرافیت فرهنگی می‌شود.

این فرایند هم به تولید اشرافیت فرهنگی در وضعیت اجتماعی و هم در محتوای سیاست‌های فرهنگی می‌انجامد و هم در درک ما از فرهنگ تأثیر می‌گذارد و اساساً مسیر به سمتی پیش می‌رود که درک ما از فرهنگ انتزاعی می‌شود؛ چون ما هم‌زمان در موقعیتی که می‌خواستیم دگرگونی و انقلاب فرهنگی رخ دهد، دچار یک دوگانه‌ای شدیم که در مارکسیسم ایرانی بسیار قوی بود. بحث روبنا یا زیربنا به آن حدی که در مارکسیسم ایرانی مهم بود، در خود مارکسیسم و مارکس مهم نبود. در حالی که مارکسیسم زیربنا را اقتصاد می‌دانست، پاسخ طبیعی ضد مارکسیسم ایرانی، این می‌شد که زیربنا فرهنگ است؛ اما در هر دو تفکر، این تفکیک وجود داشت و این نگاه انتزاعی به فرهنگ شکل گرفت که انسان را فارغ از همه هیاهوی جهان، قادر به انجام مناسک مختلفی، مانند اربعین و غدیر می‌دانست که می‌تواند برای انواع این مناسک و مناسبت‌ها نهاد ایجاد کند و فرهنگ یعنی همین. این بحث در سطح نهادی است.

در سطح سیاستی هم داستان به همین صورت است؛ یعنی یک سند خوبی نوشته می‌شود که دیگران فقط باید آن را اجرا کنند و لازم نیست این سند لزوماً در تعامل با فلان مجموعه نوشته شود، بلکه مرتب به سند ارجاع داده می‌شود که حرف‌های مهم در آنجا بیان شده است. بنابراین، در سطح اجتماعی، آن اشرافیت، مرتب بازتولید می‌شود؛ در سطح سیاستی، آن نگاه استعلایی، مرتب بازتولید می‌شود؛ در سطح نهادی، آن جدا شدن و فاصله نهاد‌های فرهنگی بازتولید می‌شود. اگر میان اسناد سال‌های ۷۴ و ۷۵ از سند مهندسی فرهنگی، با اسنادی که اوایل دهه از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی منتشر شد، مقایسه‌ای صورت بگیرد، سطح این انتزاعی شدن در سطح سیاستی، کاملاً مشخص می‌شود. راه‌حل این وضعیت و رفع این تفکیک چیست؟ اجتماعی شدن یا به تعبیری، مدنی شدن فرهنگ.

قبل از اینکه وارد بحث مفهومی اجتماعی شدن فرهنگ شویم، بحث مصداقی آن را مطرح می‌کنیم. به‌عنوان مثال، ناظر به بحث شورای عالی انقلاب فرهنگی و شوراهای وابسته به آن، مانند شورای فرهنگ عمومی، این سوال مطرح است که چرا باید عده‌ای در شورای در بسته‌ای بنشینند و سیاست‌هایی را برای هدایت مردم به سمت ارزش‌ها، تدوین و به آنان ابلاغ کنند؟ آیا امکان این وجود ندارد که به‌عنوان مثال، در شورای فرهنگ عمومی، به جای دو عضو حقیقی، نصف بعلاوه یک عضو حقیقی وجود داشته باشد؟

به نظر می‌رسد رفع این نواقص، کار چندان مشکلی نیست و می‌توان با فرایندی مشخص، اقداماتی را در این خصوص انجام داد و به‌عنوان مثال، پنجاه درصد از شورای فرهنگی عمومی را مردمی تر کرد و همه فعالان فرهنگ عمومی در شهرستان به صورتی مشخص، گونه‌شناسی شده و هر یک از گروه‌های مختلف کنش فرهنگی، اعم از مسجد، هیئت تا فعالیت‌های هنری و... بتوانند نماینده‌ای را

انتخاب کنند؛ در این صورت، شورایی پنجاه نفره تشکیل می‌شود که نصف بعلاوه یک نفر از اعضای آن را بخش عمومی جامعه انتخاب می‌کنند. سندنویسی کنونی، در واقع، یک نوع انشانویسی است و به نظر می‌رسد. سند الگوی پایه پیشرفت یا حداقل فرایند برنامه ششم، هر کدام نشانه‌های بارز و آشکاری از پایان این نوع سیاست‌گذاری داشتند. فرایند تدوین و تهیه سند الگوی پایه پیشرفت به این نحو بود که این سند، سه سال پیش از این، به رهبر معظم انقلاب ارائه شد و ایشان نیز سند را منتشر کردند تا درباره آن اظهار نظر شود و بعد از دو سال، جمع‌بندی شده و از ابتدای سال ۱۴۰۱ اجرا شود اکنون که چند ماه بیشتر به موعد اجرای آن باقی نمانده است، اعلام می‌شود که این سند، اساساً مشکل دارد.

به نظر می‌رسد محتوای سیاست‌گذاری‌ها باید اجتماعی‌تر شود؛ یعنی اگر در محتواها به نابرابری اجتماعی فکر شود، لازم نیست به جزئیاتی مانند عفاف و حجاب پرداخته شود و این مسائل جزئی خودبه‌خود حل خواهد شد. در این صورت، نیازی نیست که چنین مسائل جزئی از همه مناسبات اجتماعی جدا شود و درباره آن تولید سند و سیاست‌هایی صورت بگیرد و هیچ‌گاه هم عملیاتی نگردد. نمونه بارز این مسئله، بحث ماهواره‌ها بود که از تمام جامعه بریده شد و قانونی نوشته شد که بعد از بیست سال، مایه خنده خود نویسندگان و دیگران گردید. نمونه دیگر آن هم که اخیراً رخ داد، مسئله صیانت بود که نه بعد از گذشت بیست سال یا دو سال، بلکه در کمتر از دو ماه، تکذیب می‌شود و اعلام می‌کنند که هیچ محدودیتی در این خصوص وجود ندارد.

بنابراین، پیشنهاد این است که هم فرایندها باید مدنی شود و هم محتوای سیاست‌ها باید اجتماعی شود و در عمل، شورای عالی که برخلاف عنوان خود، یک شورای استعلایی است، هیچ تأثیری در سیاست‌گذاری آینده نداشته و نقش آن در سیاست‌گذاری، به مراتب کمتر می‌شود.

به طور خلاصه اگر بحث جمهوری‌خواهی فرهنگی یا اجتماعی شدن فرهنگ را بیان کنیم، باید گفت که اجتماعی شدن فرهنگ، دو پیشران مهم دارد: یکی اجتماعی شدن دین و تبلیغ دینی و دیگری اجتماعی شدن هنر است.

در اجتماعی شدن تبلیغ دین، یعنی مبلّغ دینی در فرایند تبلیغ دین، فقط موظف نیست مسئله شرعی یا اعتقادی و فکری مخاطب خود را پاسخ دهد؛ بلکه باید مسئله‌های اجتماعی و مسائل مربوط به زندگی او را نیز پاسخ دهد. اگر مخاطب او درگیر مسائلی مانند اعتیاد، فقر یا حاشیه‌نشینی است و مبلّغ دینی که قادر به حل بخشی از مشکل اوست، در این راه قدمی برندارد، در واقع، در موضع دین‌ننشسته است. اولین سوال در این خصوص این خواهد بود که تأمین مالی چنین اقدامی چیست؟ پاسخ این است که پیرامون چنین اقداماتی، یک چرخه تأمین مالی مردمی شکل

می‌گیرد که به مراتب، قدرتمندتر از سایر مکانیسم‌های مالی است؛ یعنی همان سرمایه دینی تبدیل به ابزاری برای جمع کردن سرمایه مردمی و بعد بازسازی اجتماعی جامعه می‌شود.

به این ترتیب، طبق تجربه‌ای که در این زمینه وجود دارد، شبکه‌ای از خیریه‌ها شکل می‌گیرد که به مبلغ دینی امکان می‌دهد تا اگر کسی برای مسائل و مشکلات مالی و نان سر سفره خود به او رجوع کرد، وی بتواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم (از طریق ده‌ها نهاد مدنی) این مسئله را پیگیری کند و از آنان مطالبه کند.

در عرصه هنر هم همین مسائل مطرح است اجتماعی شدن هنر، به این معناست که اگر به عنوان مثال، در چهل نقطه از یک شهر، هر ماه، یک تئاتر خیابانی اجرا شود، وضعیت فرهنگی شهر دگرگون می‌شود در روند انقلاب‌های اجتماعی معمولاً این اتفاق رخ می‌دهد؛ یعنی هم دین و هم هنر، اجتماعی‌تر می‌شوند و تأثیرات آن بر مخاطبین، در تولید و در مصرف بیشتر می‌شود. در انقلاب اسلامی هم همین حادثه رخ داد.

مهم‌ترین فایده تعامل با جامعه در عرصه فرهنگ، این است که فاصله و شکاف مورد بحث، هم در سطح سیاستی و هم در سطح نهادی، جبران می‌شود و اگر اراده‌ای برای این کار وجود داشته باشد، این شکاف قابل حل است.

اگر از این موضع استعلا خارج شویم و سیاست فرهنگی در تعامل با جامعه، مشخص شود، پس از مدتی، تأثیرات نهادی آن مشاهده خواهد شد؛ به عنوان مثال، در همین بحث راهپیمایی‌ها، شورای تبلیغات اسلامی با روندی که تاکنون داشته است، چاره‌ای جز گسترش نهادهای خود ندارد؛ چراکه این راهپیمایی‌ها باید هر سال گسترده‌تر از سال‌ها و دهه‌های پیشین برگزار شود، اما چون نقش مردم در برگزاری آن هر روز کم‌رنگ‌تر شده است، شورای تبلیغات باید نهادهای خود را توسعه بدهد. اما اگر این فرایند، برعکس شود و به جای کارمندان شورا، بیانیه‌ها را مردم بنویسند؛ پلاکاردها را مردم بتوانند تهیه کنند؛ مردم به پذیرایی بپردازند و...؛ در این صورت، نهاد شورای تبلیغات هم کوچک‌تر می‌شود.

تاکنون تمام مراحل ختم‌شده‌های سازمانی، اجرا و ارزیابی و نحوه هزینه‌هایی که انجام می‌شد، برعهده سازمان‌ها بوده است؛ اما می‌توان مثلاً از ارزیابی شروع کرد و ارزیابی برنامه‌های اجرایی را به مردم سپرد و در گام بعدی، بخشی از اجرا را هم در اختیار مردم قرار داد یعنی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، موظف شود ۴۰ درصد بودجه خود را برای همین امور راهپیمایی و غیره به گروه مردمی دهد. نهادهای دیگر هم به همین شکل، موظف شوند بخشی از اجرا را به مردم بسپارند و

مراد از واگذاری بخشی از اجرا، این است که بخشی از اعتبارات را هم به مردم بسپارند و توقع نداشته باشند که مردم به صورت جهادی اجرا کنند.

این دخالت مردمی و فعالیت شخصیت‌های حقیقی و گروه‌های مردمی باید در سطح تصمیم‌گیری هم چه در سطح سازمان‌ها و چه در سطح سیاستی، صورت بگیرد. در دوره پیشین شورای فرهنگی عمومی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، طبق عنوانی که آقا در حکم مطرح کردند، موظف شد تا برآیند نگاه‌های جبهه فرهنگی انقلابی را دریافت کند؛ اما شورای فرهنگی عمومی هیچ تفاوتی با دوره‌های پیشین پیدا نکرد؛ یعنی اراده‌ای برای انجام چنین اموری وجود ندارد.

شورای عالی انقلاب فرهنگی، موظف بوده است یک نسبتی با بدنه فرهنگی برقرار کند، اما این نسبت برقرار نشده است.

این مسئله، از سوی شورا صورت نگرفته است و آمادگی‌هایی در بدنه فرهنگی وجود داشته که به رسمیت شناخته نشده است. در چنین وضعیتی، آمادگی‌های بالفعل، تبدیل به آمادگی‌های بالقوه می‌شود. شورای عالی باید شورای فرهنگ عمومی را ملزم کند که به نحو مؤثر، نه با نگاه قیم‌مآبانه، در حوزه فرهنگ از مردم استفاده کند. اگر این اتفاق رخ بدهد، به‌طور طبیعی، فعالان فرهنگ دینی شهرستان بعد از چند سال که در موضع شورای فرهنگی عمومی قرار بگیرند، فعلیت‌های به‌مراتب بیشتری برای مشارکت در سیاست‌های فرهنگی خواهند داشت.

اگر این مسئله صورت بگیرد، یک سازوکار کاملاً معناداری پیدا می‌شود که طبق آن، شورای فرهنگی عمومی شهرستان الف که نیمی از آن را فعالان مدنی و مردمی تشکیل می‌دهند، می‌تواند درباره اجتماعی شدن تبلیغ دین یا اجتماعی شدن هنر تصمیم‌گیری کند و نهادهای فرهنگی-هنری دینی نیز آن را جمع‌آوری کرده و چرخه مالی آن را با مشارکت مردم یا به میان آوردن مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها، تأمین می‌کنند و برنامه‌ها تصویب و اجرا می‌شود.

از ابتدای پیروزی انقلاب، متناسب با آرمان حق اساسی آموزش عمومی رایگان، یک وضعیتی در آموزش و پرورش وجود داشت و یک فرایندی تا وضع موجود طی شد که گاهی در کاهش سهم آموزش از وضعیت عمومی، از لیبرال‌ترین جوامع هم لیبرال‌تر بوده‌ایم و به وضعیت نابرابر آموزش عمومی کنونی منجر شد. اساساً موضوع این نیست که نابرابری در آموزش وجود دارد؛ بلکه موضوع

این است که سند تحول آموزش پرورش به مسئله نابرابری نمی‌پردازد. البته وقتی سند را مطالعه می‌کنید، آرمان‌های فراوانی، از جمله عدالت را مشاهده می‌کنید؛ و به حدی انتزاعی است که هیچ‌کسی نمی‌تواند آن را اجرا کند.

تا سهم مردم از نظارت اجرا و تدوین تصمیم‌ها و سیاست‌ها افزایش پیدا نکند، اجتماعی شدن فرهنگ مطلقاً رخ نمی‌دهد.

منبع: خبرگزاری مهر (۱۴۰۱/۱/۱۵)

حوصلگی و کم حوصلگی جوان امروز

از دانشجویانم می‌خواهم به مجموعه ده جلدی تاریخ اجتماعی ایران، نوشته مرتضی راوندی، نگاه کنند. از آن‌ها می‌پرسم چند نفر از شما واقعا علاقه دارید این مجموعه را بخوانید. هیچ کس دستش را بلند نمی‌کند. بعضی‌ها زیر لب چیزی می‌گویند. صدایشان به گوش می‌رسد: «آخه کی حوصله داره استاد؟»

رمان چهار جلدی ژان کریستف و بعد رمان پنج جلدی کلیدر را به آن‌ها نشان می‌دهم. سؤالم را تکرار می‌کنم. باز جمله «کی حوصله داره استاد» را از بعضی‌ها می‌شنوم. چند نفر از دانشجویان می‌گویند ما حتی وقتی برای دقایقی فیلم‌های سینمایی کلاسیک یا حتی سریال‌های دهه شصت و هفتاد ایرانی را تماشا می‌کنیم حوصله‌مان سر می‌رود و از خودمان می‌پرسیم چطور زمانی مردم این فیلم‌ها و سریال‌ها را تماشا می‌کردند بدون آنکه حوصله‌شان سر برود.

دلیل را از آن‌ها می‌پرسم. می‌گویند سرعت فیلم‌ها کند، و وحشتناک کسالت‌آورند. اصلاً آن شکلی از زندگی که در آن فیلم‌ها نشان داده می‌شود بی‌نهایت حوصله‌سربر است. چرا آدم‌ها آرام راه می‌روند؟ چرا آرام حرف می‌زنند؟ چرا آرام نگاه می‌کنند؟ می‌گویند حتی تصور خواندن کتاب‌هایی که نشان‌شان دادم برایشان غیرممکن است. اگر در بیست سالگی خواندن این کتاب‌ها را آغاز کنند احتمالاً در سی سالگی به آخر خواهند رسید، البته اگر فرض کنیم که از خواندن کنار نکشند. از آن‌ها می‌خواهم بگویند برای چه چیزهایی حوصله دارند و برای چه چیزهایی حوصله ندارند؟ وقتی درباره چیزهایی که حوصله‌اش را ندارند حرف می‌زنند کمی نگران می‌شوم. بی‌حوصلگی آنان ناشی از یأس یا ناامیدی و شرایط سخت این روزها نبود. مسأله‌ای مربوط به کلیت زندگی در دنیای جدید به نظر می‌آمد.

اغلب ما این روزها مدام از زود سپری شدن زمان عصبانی می‌شویم. پیوسته شکایت داریم که چرا زمان این قدر سریع می‌گذرد. به قولی، «چشم روی هم می‌گذاری زمان مثل باد می‌آید و می‌رود». آیا می‌توان گفت که در واقع شتاب زندگی اجتماعی بیشتر شده است؟ هارتموت رزا، جامعه‌شناس آلمانی معاصر، در کتاب «شتاب و بیگانگی» معتقد است که جامعه مدرن را می‌توان «جامعه‌ای شتابان» تعریف کرد، به این معنا که ویژگی چنین جامعه‌ای افزایش ضرباهنگ زندگی یا فشرده

شدن زمان است. او مفهوم «انقباض زمان حال»، از هرمان لوبه را بکار می‌برد به این معنا که در مدرنیته، افراد بیش از پیش احساس می‌کنند که وقت‌شان دارد تلف می‌شود و کمبود وقت دارند. گویی زمان همانند ماده‌ی خامی تصور می‌شود که شبیه سوخت، مصرف می‌شود و از این رو پیوسته نایاب‌تر و گران‌تر می‌شود. شتاب ضرباهنگ زندگی حاصل میل یا احساس نیاز به «انجام کارهای بیش‌تر در زمانی کمتر» است. رزا، یکی از موتورهای شتاب اجتماعی را «رقابت» می‌داند به بیان او، منطق اجتماعی رقابت چنان است که «رقیب هرگز نمی‌خواهد». در اینجا سکون برابر است با سقوط. آنچه که از آن با عنوان «پدیده پرتگاه» یاد می‌شود.

درباره بی‌حوصلگی و شتاب ما با تناقضی مواجه‌ایم. از طرفی مدام شکایت می‌کنیم که چرا زمان تا به این اندازه عجولانه می‌گذرد. دوست داریم فریاد بزنیم که گذر زمان را کندتر و حتی متوقفش کنید. ولی همزمان،

در زندگی روزمره با دیدن کسی که آرام حرف می‌زند، یا با حوصله غذا می‌خورد یا با حوصله کفش‌هایش را واکس می‌زند حوصله‌مان حسابی سر می‌رود.

سرعت، عنصری اساسی در زندگی امروز ما شده است. ما به آنچه شکایت داریم خو گرفته‌ایم.

منبع: خبر آنلاین (۱۴۰۱/۲/۱۱)

ریشه خیانتی به نام «مهاجر فرستی» یا فرار دهی مغزها

فرهنگ و دانشگاه

در بحث مهاجرت نخبگان، حرف و حدیث‌های زیادی مطرح است؛ اما مسئولین نظام چه دیدگاهی در این خصوص دارند؟ مقام معظم رهبری در سخنرانی آبان‌ماه ۱۴۰۰ تأکید کردند: یک وقت هست که یک دانشجویی بر اساس نیازهایش، بر اساس نیازهای فکری‌اش یا بحث خانوادگی‌اش مایل است برود در یک کشوری تحصیل کند. این اشکالی ندارد؛ یعنی بنده بارها گفته‌ام که این مانعی ندارد... عمده این است که فراموش نکند که بدهکار کشورش است و درس بخواند و برگردند بیایند... لکن آن چیزی که اشکال دارد، «مهاجر فرستی» است.

بارها و بارها دانشمندان و فرهیختگان کشور نیز درخصوص کوچ‌زن‌های ایرانی یا به اصطلاح «فرار مغزها» هشدار داده‌اند؛ جوانانی که با خون دل تربیت می‌کنیم، اما توانایی نگهداری آنها را نداریم و دو دستی تقدیم بیگانه می‌کنیم! چهره ماندگار فیزیک، بنیان‌گذار گروه فلسفه علم و استاد ممتاز دانشگاه صنعتی شریف نیز از جمله فرهیختگانی است که همین دغدغه را دارد و معتقد است که برخی در محیط دانشگاه‌ها، صریحاً جوان‌ها را تشویق می‌کنند تا به خارج مهاجرت کنند!

نکته مهمی که رهبری درخصوص آن فرمودند:

«مهاجر فرستی» و اینکه عناصری در بعضی دانشگاه‌ها، جوان نخبه را از آینده می‌بوس، و او را به ترک میهن تشویق می‌کنند، صریحاً خیانت به کشور و دشمنی با آن است و دوستی با آن جوان هم نیست.

چرا مسئولین در مناظره‌های تلویزیونی شرکت نمی‌کنند تا معلوم شود چه خطاهایی رخ می‌دهد؟ اصلاً نمی‌آیند رسیدگی کنند. در بحث فرار مغزها، جناب دکتر میرشمسی جمله‌ای را گفت که من هم از ایشان (در جاهای مختلف) نقل کردم؛ می‌گویند نگوئید «فرار مغزها» بگوئید «فراردهی مغزها» و من این را دارم می‌بینم. وقتی استاد دانشگاه به دانشجو می‌گوید حتماً برو خارج، دیگر چه می‌توان گفت؟! یکی از دوستان من تعریف کرد که برای کاری، پیش یکی از اساتید دانشگاه صنعتی شریف

که رتبه بالایی هم داشت رفته بودم. یکی از دانشجویان آن استاد آمد و استاد از او پرسید پذیرش گرفتی؟ دانشجوی جواب داد پذیرش گرفتم، ولی سفارت آمریکا ویزا نمی‌دهد. استاد گفت نامه‌ای برای وزارت امور خارجه آمریکا می‌نویسم (تا کار ویزا انجام شود).

این موضوع شوخی دارد؟! صریحاً دارند تشویق می‌کنند که جوان‌ها به خارج بروند. قرار شد در دانشگاه صنعتی شریف مرکزی ایجاد کنند که زمینه را برای ادامه تحصیل دانشجویان در خارج فراهم کند. نامه‌ای به دکتر غلامی (وزیر علوم وقت) نوشتم که اجازه ندهید این کار در دانشگاه انجام شود؛ یعنی جایی در دانشگاه ایجاد شود که این کار (مهاجرت) را ترویج می‌کند. گفتند انجام نمی‌دهیم، اما این مرکز تأسیس شد و تمام. به طور خودکار دارد به این موضوع کمک می‌شود. وقتی معاون وقت بین‌الملل وزارت علوم صریحاً پُرز می‌داد که این تعداد قرارداد با دانشگاه‌های خارج داشته‌ایم، وقتی وزارت علوم به دانشگاه‌ها ابلاغ می‌کند که اگر استاد مقاله نوشت و در مقاله، اسم یک استاد خارجی را هم بود، امتیاز مقاله بیشتر است، دیگر چه انتظاری دارید؟

روزی در یکی از دبیرستان‌های تیزهوشان سخنرانی داشتم. بعد از سخنرانی، زمانی که دبیران و دانش‌آموزان حضور داشتند، به معلم‌ها گفتم سر کلاس از دانش‌آموزان بپرسید اصلاً برای چه درس می‌خوانند؟ دیدم دبیران خندیدند و جوابی ندادند. بعد که دانش‌آموزان رفتند،

معلم‌ها به من گفتند که دانش‌آموزان سر کلاس فقط یک سؤال از ما می‌پرسند: کدام دانشگاه ایران وارد شویم تا سریع‌تر بتوانیم پذیرش دانشگاه‌های آمریکا و اروپا را بگیریم!!

عُلقه (به کشور و میهن) دارد از بین می‌رود. می‌خواهید معنی عُلقه را بدانید، پروفیسور فضل‌الله رضا (چهره ماندگار و رئیس سابق دانشگاه تهران) را در نظر بگیرید. ایشان ذخیره‌ای برای کشور بود. زمانی که رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بودم، جایزه علم و دین خواجه نصیر را برای پژوهشگری که بهترین مقاله را در این زمینه بنویسد، بنا نهادیم. برخی از علما قم مقاله ارسال کردند و در نهایت، مقاله پروفیسور رضا به عنوان مقاله برتر انتخاب شد. در دیداری که با هم در پژوهشگاه داشتیم، پروفیسور رضا گفت، من اخیراً مهمان وزارت امور خارجه بودم. یک عده از اساتید ایرانی مقیم آمریکا را دعوت کرده بودند که به ایران بیایند تا با دانشگاه‌های کشور همکاری کنند. معنی عُلقه را اینجا می‌فهمید. ایشان گفت مهمان وزارت خارجه بودم، اما باید یک انتقاد کنم؛ اینها همه دوستان‌شان را دعوت کرده بودند که آمدند و ملک‌هایشان را فروختند و تبدیل به دلار کردند و با خود بردند. گِله پروفیسور رضا این بود که چرا!؟

این موضوع را خودم در سفر به چین دیدم. برندگان جایزه نوبل فیزیک چینی‌الاصل که در آمریکا زندگی می‌کردند، سالی چندبار به چین می‌آمدند تا به دانشگاه‌ها و امور پژوهشی کشورشان کمک کنند. خودم سه نفر از برندگان جایزه نوبل فیزیک چینی‌الاصل مقیم آمریکا را در چین دیدم. اما چند ایرانی را اینطور می‌بینیم؟ این افراد چرا بر نمی‌گردند؟ چون آنجا رفاه اساسی دارند و فرهنگی که با آن بزرگ شده‌اند، فرهنگ مادی است، نه فرهنگ معنوی. در کشور از ایرانی‌های مقیم خارج استقبال می‌کنند، اما آنها با فرهنگ آنجا بزرگ شده‌اند. فرهنگ قوی‌تری نیاز است تا بتواند روی این افراد کار کند. (ایرانیان مقیم خارج) حتی اگر کتاب‌هایی که در ۳ دهه اخیر در آمریکا و انگلیس چاپ شده‌اند را می‌خواندند، حتماً به کشور باز می‌گشتند. بزرگان فیزیک فکرشان را خیلی کل‌نگر کرده‌اند و فقط به کار تخصصی خودشان نمی‌پردازند. کل جهان و جامعه انسانی را می‌بینند. فیزیکدان‌های آمریکا به کلینتون (رئیس جمهور وقت آمریکا) نامه‌ای نوشتند که چرا این میزان اسلحه تولید می‌شود و این روند را متوقف کنید؛ ولی این چیزها اصلاً برای ما مطرح نیست.

ایرانی‌هایی که در غرب بزرگ می‌شوند، در شرایط رفاه هستند و وقتی به کشور می‌آیند، باید با حداقل معیشت زندگی کنند. ایران اگر با پختگی عمل می‌کرد، همه این ایرانی‌ها جذب کشور می‌شدند و اگر روی فرهنگ آنها هم کار کرده بود، دیگر دافع‌ها روی آنها اثر نداشت. دانشجویی درجه یک دکترا داشتم که تمام حواسش جمع ایران است. تنها چیزی است که وقتی این ناهنجاری‌ها را می‌بینید، به انسان قوه می‌دهد و حس می‌کنید که چیزهای خوبی هم هست. از سراسر ایران مکاتباتی دارم و این حس بیداری را در بعضی از جوانان کشور می‌بینیم و لذت می‌برم؛ ولی محیط این تیپ (وطن پرست) را پرورش نمی‌دهد.

خانواده‌ها هم همان فرهنگ را پیدا کرده‌اند؛ خانواده‌ها هم فرهنگ‌شان غربی شده است، ولی فکر کشورشان نیستند که بالاخره به آن مدیون هستند، در آن بزرگ شده‌اند و کشور برایشان هزینه کرده است؛ ولی به فکر کشور نیستند. مگر شوخی دارد که انسان فرزندش را برای همیشه آن سمت خط بگذارد؟ آن فرزند هم چطور راضی می‌شود که پدر و مادری که اینقدر برای او زحمت کشیده است را تنها بگذارد و برود؟ حالا بعضی هستند که هر سال یا دو سال یکبار به والدین خود سر می‌زنند، اما اکثر کسانی که می‌روند، دیگر با این طرف کاری ندارند. عُلقه خانوادگی زمانی که ما بچه بودیم خیلی قوی بود. سخنرانی در اصفهان داشتم و در جمع خانواده‌ها گفتم دیگر به پرورش فرزندان‌تان در دبستان و دبیرستان تکیه نکنید؛ خودتان هم متعهد باشید که فرزندان‌تان صاحب فرهنگ باشند.

منبع: خبرگزاری دانشجویان ایران (۱۴۰۱/۱/۲۷)

مهاجرت معکوس؛ نخبگانی که عطای غرب را به لقای آن می‌بخشند.

فرهنگ و دانشگاه

از نظر علمی می‌توان توصیه کرد در یک مکان ساکن نشوید، تا مثل آب یک برکه گندیده نشوید. هر موقعیت و مکان جدید دارای ظرفیت و دانش جدید است که قابلیت کسب شدن را دارد. معتقدم، جابه‌جایی میان دو دانشگاه نسبت به تحصیل در یک دانشگاه بهتر است. تجربه قرار گرفتن در محیط‌های گوناگون و رصد کردن صنایع مختلف یک قابلیت جدید به حساب می‌آید. تصور می‌کنم، فعل رفتن و مهاجرت اصولاً کار بدی نیست؛ آشنایی با امکانات صنایع و علوم نوین بسیار خوب قلمداد می‌شود.

با توجه به ظرفیت‌هایی که در داخل و خارج از ایران وجود دارد، تصمیم‌گیری درباره بازگشت به وطن متفاوت خواهد بود. تصمیماتی از این دست بسیار شخصی است، بنابراین نمی‌توان در این زمینه به افراد دیگر توصیه کرد.

انگیزه‌های متعددی، ما را به ایران بازگرداند. تمام اعضای تیم ما از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های طراز اول هستند؛ این نگاه در کشور وجود دارد که تنها با مهاجرت کردن می‌توان یک کار مناسب و خوب ایجاد کرد. تعداد نیروی انسانی ایران یک ظرفیت مناسب به حساب می‌آید؛ کارآفرینی نسبت به عضو هیات علمی شدن برای من ارزش بیشتری دارد، چرا که می‌توانم تعدادی از دانشجویان فارغ‌التحصیل را در محلی با فناوری بالا به کار گیرم و از دانش و توان آنها بهره برم.

۵۱

چرایی دوم درباره بازگشت به ایران ریشه در بازار بزرگ و بکر آن دارد. برخی صنایع و علوم مثل بیوتکنولوژی، پزشکی و داروسازی به سرعت روند رو به رشد خود را سپری می‌کنند که فرصت مناسب به حساب می‌آیند. این شرایط می‌تواند زمینه مناسبی برای ارائه محصول و تولید سرمایه باشد.

به همراه جمعی از دوستانم در سال ۹۷ به ایران بازگشتیم و در برنامه «حمایت از بازگشت متخصصان خارج از کشور» معاونت علمی ریاست جمهوری شرکت کردیم. تیم اولیه در پارک علم و فناوری پردیس شکل گرفت؛ حدود ۲ سال از آن روزها می‌گذرد؛ در این بازه زمانی توانسته‌ایم ۴ محصول را از صفر تا ۱۰۰ طراحی و آماده ورود به بازار کنیم.

سخن گفتن از نقش نخبگان در پیشرفت و توسعه شاید مصداق زیره به کرمان بردن باشد، چرا که واضح و روشن است که تمامی دستاوردهای بشر حاصل تلاش‌ها و فعالیت‌های نخبگان و دانشمندان در حوزه‌های علوم مختلف است.

در دنیای امروز و رقابت تنگاتنگ جوامع و کشورها در حوزه فناوری و تولیدات صنعتی امروزه تربیت و پرورش نخبگان مهارتی از اهمیت بالایی برخوردار است

و هر کشوری که در این حوزه صاحب حرف باشد بدون شک باید آترا در عرصه های تولید علم، دانش و صنعت و فناوری قدرتمند و پیشتاز دانست. اگرچه این دیدگاه حاکم وجود دارد، اما برخی نظر و دیدگاهی دیگر دارند؛ یعنی تلاش می‌کند «ما می‌توانیم» را در عمل ثابت کنند.

اگر نخبگان تنها به امید حمایت‌های دولتی به ایران بازمی‌گردند، باید درباره برچسبی که به آنها می‌زنند، شک کرد. کسانی که مدعی داشتن یک توانایی هستند باید این ادعا را هم داشته باشند که بدون حمایت‌های خاص یا جداسازی عناوین هم بتوانند کاری انجام دهند. برنامه معاونت علمی در ارتباط با حمایت از بازگشت متخصصان اقدامی مبارک است. بسیاری از کسانی که به ایران بازمی‌گردند، در بازه زمانی یک یا ۲ ساله نخست از زمان بازگشت، هیچ موقعیت شغلی برای آنها وجود ندارد. برنامه‌های حمایتی سبب می‌شود تا چنین واژه‌ای به واسطه خروج از کشور برای آنها وجود نداشته باشد.

نزدیکی صنعت و دانشگاه، موضوع خوب و مهمی است. ارتباط میان این مولفه‌ها در سال‌های اخیر بهتر شده، بررسی اکوسیستم استارت‌آپ‌ها نشان می‌دهد برخی از نهادها که در گذشته تنها خواهان مقالات علمی بودند، رویکرد خود را تغییر داده‌اند. منظور این است، اغلب اوقات از مقالات علمی حمایت نمی‌کنند، اما چتر حمایتی خود را برای یک محصول تولیدی باز می‌کنند. شرایط نسبت به زمانی که ایران ترک کردم بسیار بهتر شده، امیدوارم روال فعلی ادامه‌دار باشد.

گذر زمان و جدی‌تر شدن چالش‌ها

به طور قطع، شرکت‌های دانش بنیان به واسطه ساختار اقتصادی ایران با مشکلات متعددی روبرو هستند. به گفته فعالان این زیست‌بوم، مشکلات در گذر زمان جدی می‌شود، چرا که رویاها به واسطه موفقیت‌های قبلی محقق می‌شوند. در این شرایط، سخن از اهداف جدید به میان می‌آید که خود آغاز یک راه جدید پر پیچ و خم است.

برخی از چالش‌های شرکت‌های دانش‌بنیان به همراه محصولات می‌آیند. شرایط فعلی خودم با ۳ سال گذشته را نمی‌توانم مقایسه کنم. معتقد بودم، اگر ایده و یک نمونه اولیه شکل بگیرد به این معنا خواهد بود که یک محصول را در دست داریم. در حال حاضر بر این باور هستم تا زمانی که از یک محصول تولیدی باید ۱۰ هزار نسخه داشته باشیم تا ادعا کنیم یک محصول را در دست داریم. به طور قطع، با گذر زمان تعداد مدنظر افزایش می‌یابد. ساخت یک محصول را نباید تنها مشکل شرکت‌های دانش‌بنیان دانست، بلکه فروش و کسب درآمد را هم باید در نظر داشت. مدتی است که با شرکت میهن مذاکرات خود را آغاز کرده و پروژه‌ای را به صورت پیلوت اجرا می‌کنیم. نوع مدیریت و ترتیب سازمانی این مجموعه غذایی بسیار منسجم است؛ به این موضع فکر می‌کنم که چه زمانی می‌توانیم به ساختار مدیریتی این شرکت دست یابیم. اغلب شرکت‌های دانش‌بنیان ایجاد چنین ساختاری را بلد نیستند.

یکی از دیگر چالش‌های شرکت‌های دانش‌بنیان توسعه بازار است. قوانین توسط قانون‌گذار نوشته شده، اما اجرا نمی‌شود. به طور مثال، تخم‌مرغ از حساس‌ترین محصولات به دما است، اما زنجیره سرد به دلیل سیاست‌های سرکوب قیمت این کالا به دست فراموشی سپرده می‌شود. این محصول حساس غذایی با وسیله نامناسب مثل خاور حمل و نقل می‌شود. سازمان غذا و دارو از نقش نظارتی خود و اجرا قانون غافل است. اجرا نشدن قانون یک حلقه مفقوده است، همین مسائل سبب می‌شود تا به سراغ شرکت‌های خصوصی برای ارائه محصولات خود بروم.

منبع: خبرگزاری دانشجویان ایران (۱۴۰۱/۱/۲۷)

روایتی از سلامت روان مردم در «پسا کرونا»؛ دو طیفی که گوشه‌گیر شد.

فرهنگ و اجتماع

هر بحرانی که در هر جامعه اتفاق می‌افتد، طبیعتاً پیامدهایی دارد اما این پیامدها بسته به نوع بحران، گستردگی بحران، طول بحران و تأثیراتی که روی گروه‌های مختلف دارد می‌تواند متفاوت باشد. بحران کرونا نیز یکی از آن بحران‌هایی بود که وجه مشخصه آن یک بحران بهداشتی است اما عوارض و تبعات مختلفی در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی سیاسی و اقتصادی به دنبال داشته است.

در واقع ما نمی‌توانیم بگوییم یک بحران بهداشتی با این ویژگی که تمامی ابعاد زندگی مردم را در تمامی جوامع تحت شعاع قرار داده صرفاً از منظر بهداشتی بررسی کنیم. تبعاً هر چه میزان توانایی‌ها، آمادگی‌ها و تجربه و مهارت بیشتر باشد سازمان دهی قوی‌تر و پیامدهای منفی کمتر است البته عکس آن هم صادق است.

ما پیش از ورود به اپیدمی کرونا نیز بحران اجتماعی مطلوبی نداشتیم، نه در درون خانواده، نه در اجتماع، نه وضعیت آسیب‌ها، نه جرائم، نه سلامت روان، به طوریکه براساس آماري که مسئولان وزارت بهداشت چند سال پیش ارائه کردند، ۲۳ تا ۲۵ درصد از مردم حداقل با یک اختلال روبرو هستند.

در درون خانواده با اتفاقاتی در حوزه ازدواج، طلاق، خشونت‌های خانگی و اجتماعی و اعتیاد روبرو بودیم، این اولویت بندی‌ها پیش از ایام کرونا بود اما این ویروس توانسته این مشکلات را مشهودتر کند و به آن‌ها دامن بزند.

حقیقتاً اگر بخواهم به وضعیتی که در حوزه آسیب‌های اجتماعی داریم اشاره کنم باید بگویم

در دوران کرونا نه تنها حال و روز اقتصاد در ایران بدتر شد بلکه در دنیا نیز این اتفاق افتاد، طبیعتاً وضعیت نامناسب اقتصادی، حوزه اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داد.

ما با مشکلات بسیاری در درون خانواده‌ها مانند خشونت‌های خانگی، پناه بردن به مواد مخدر برای

فرار از شرایط و افزایش تنش‌ها روبرو شدیم اما مشکلات ما در حوزه اجتماعی در دوران پسا کرونا بیشتر خود را نشان خواهد داد.

این آثار در رفتار کودکان و شیوه زندگی آن‌ها، در سلامت روان، در کیفیت سالمندان، در روابط اجتماعی، سبک زندگی و روابط عاطفی درون خانواده تحت الشعاع قرار گرفت. یک مسأله بسیار مهم این است که کرونا کاری کرد که بچه‌های ما دست به گوشی شوند، آن‌هم به واسطه آموزش‌هایی که لازم بود و طبیعتاً عوارض این شرایط بیشتر خود را نشان می‌دهد، کودکانی که باید در این ایام در مدارس حضور پیدا می‌کردند، مشارکت را فراموش کردند، هیجان‌ات خود را تخلیه می‌کردند، ناسازگاری و حل مسأله را در عمل یاد می‌گرفتند، همه اینها در ایام کرونا تحت تأثیر قرار گرفتند.

درباره آسیب‌های پس از کرونا تاکنون هیچ سنجشی صورت نگرفته است، اما اخیراً ۲ پژوهش ازسوی انجمن ما صورت گرفته که در دو مقطع زمانی انجام شده است، در این پژوهش ۲۰ درصد مردم تأکید کردند که اضطراب و استرس در دوران کرونا را بیشتر تجربه کرده‌اند، نگرانی خانواده‌ها از چنین موضوعاتی این است که اگر سرپرست خانواده از دنیا برود، اگر نان‌آور خانواده از کار بیکار شود، اگر بیمار شوند، چه اتفاقاتی رخ می‌دهد.

اگر توجه کرده باشید در ابتدای شیوع کرونا مردم همکاری و همدلی بیشتری داشتند، همبستگی بسیار بالا و سرگرمی‌های بیشتری وجود داشت اما به مرور زمان آن همبستگی‌ها و همکاری‌ها جای خودش را به تنهایی و گوشه نشینی داد و طبیعتاً اینها عوارض دارند و بعدها خود را نشان خواهند داد.

اخیراً پژوهشی صورت گرفته و یکی از آن سوالات ما این بود که عمده‌ترین نگرانی‌های مردم چه هست؟ در آن پژوهش مردم پاسخ دادند که «مرگ عزیزان عمده‌ترین نگرانی ما است»، با این حال ما نمی‌توانیم برای آن‌ها کاری انجام دهیم یا حتی در حین کرونا نیز نتوانستیم آیین سوگ را اجرا کنیم، شما یادتان هست که چگونه اجساد متوفیان کرونا را تدفین می‌کردند، آن‌هم با چه وضعی؟! این در حالی است که در آیین ما برای متوفیان مراسم ویژه‌ای برگزار می‌شود چه در تدفین و چه در تشییع، هر کدام آیین‌های جداگانه و باشکوهی برای رفتگان داریم اما در ماجرای کرونا دیدیم که هیچ‌کدام از اینها برپا نشد. متأسفانه ساز و کاری برای مدیریت این موضوع اتخاذ نشد برای کسانی که خانواده‌اشان از دنیا رفته است.

یادم هست در زمان دولت آقای روحانی بود. به آقای نمکی گفتیم ما حاضریم با خانواده‌هایی که عزیزان خود را از دست داده‌اند به صورت داوطلبانه صحبت کنیم، شما اسامی و خانواده‌هایشان را به ما بدهید تا بتوانیم مدیریت بهتری در این حوزه داشته باشیم و مشکلات آن‌ها را مرتفع کنیم.

ایام کرونا بسیار عجیب بود، از آن ترسی که از دست دادن و نزدیک شدن به آدم‌ها وجود داشت تا هزاران موضوع دیگری که در کرونا بود، در آن زمان نسبت به کرونا ابهامات بسیاری وجود داشت، در همان اوائل با وجود این همه ابهام و نبود واکسن کرونا بسیار برای مردم نگران کننده بود.

در میانه کرونا وقتی یکی از اعضای خانواده به ویروس کرونا مبتلا می شد دیگران را هم می توانست مبتلا کند و این نگرانی‌ها را مضاعف و چندین برابر می کرد، با این حال احساس گناه ناکرده ای در میان خانواده وجود داشت که شاید او عامل ابتلای عضو دیگر خانواده به کرونا بوده است. در همه ما این ترس از کرونا وجود داشت، ترسی که شاید هم باعث ابتلای یک عضو خانواده ما می شد.

خانواده هایی که کسی را نداشتند با از دست دادن سرپرست خانواده منابع درآمدی آنها از بین رفته است و معمولاً در بحران های این چنینی افراد و اقشار ضعیف آسیب بیشتری می بینند، گزارشی هم آقای حریرچی معاون بهداشت و زرات بهداشت وقت اعلام کرد که بیشتر افرادی که به کرونا مبتلا شده اند از اقشار کم درآمد و ضعیف جامعه بودند. چندین بار نیز در نشست با رسانه ها این گزارش را اعلام کردند البته طبیعی است چرا که اقشار ضعیف در بسیاری اوقات نمی توانند خدمات درمانی لازم را دریافت کنند، ضمن آنکه وقتی عزیزی را از دست می دهند مشکلاتی دیگری برای آنها به وجود می آید.

ما در آن روزها، دیدیم که در ایام کرونا بسیاری از پویش هایی که به وجود آمد برای همین مناطق کم برخوردار بود و مردم مناطق دیگر این بسته ها و نیازمندی ها را به دست آن ها می رساندند.

معمولاً در بحران‌ها، افرادی که شاخص‌های رفاه در میان آنها پایین تر است و یا درگیر فقر و ساکن مناطق کم برخوردار هستند میزان آسیب پذیری در آنها افزایش می یابد.

در این بین سالمندان به واسطه آنکه در دوران سالمندی فعالیتهای اجتماعی کاهش می یابد و عمده دلخوشی هایی آنها به ارتباط با فرزندان، عروس و بستگان و دوستان منتهی می شود، از طرف دیگری هم بسیاری دیگر امکان استفاده از فضای مجازی را به واسطه عدم وجود دانش آن نداشتند، معمولاً آسیب پذیر بودند.

ما در حوزه دانش آموزان باید حساسیت بیشتری نشان دهیم، آموزش و پرورش باید برنامه های ویژه ارتقاء سلامت روانی و اجتماعی دانش آموزان پس از کرونا را تدوین کند. بدون شک اگر آموزش و پرورش از این موضوع غفلت کند و اگر جاهای دیگر به سیستم آموزشی کشور کمک نکنند، در آینده این بچه ها با مشکلات متعددی به زندگی خود ادامه خواهند داد.

باید سنجشی از وضعیت سلامت روانی و اجتماعی دانش آموزان داشته باشیم چرا که وابستگی به فضای مجازی در میان دانش آموزان وجود دارد و طبیعتاً تأثیرات منفی بر روان کودکان گذاشته است از این رو نیازمند بررسی سلامت روانی و اجتماعی دانش آموزان، معلمان، کادر درمان و... هستیم. از طرفی دیگر از حیث آموزش و اداره مدارس، باید آموزش های ما به سمت شادابی برود، تا عدم تحرکی در دو سال گذشته بتواند جبران شود.

مساله انعطاف در آموزش نیز بسیار دارای حائز اهمیت است، کودکی که دوسال ۲ سال در خانه با نرم افزارهای آنلاین تحصیل کرده است را نمی توان به صورت یکباره به دوران حضوری هدایت کرد. لذا فشار بیش از حد بر دانش آموزان می تواند نگرانی ما از سلامت روانی و جسمانی دانش آموزان را تشدید کند. بر همین اساس خواستار یک بازنگری جدی در آموزش، در مدیریت مدرسه، روابط بین معلمان و دانش آموزان، محتوا و روش های آموزش و الزام به انعطاف پذیری برای انطباق و کنار آمدن با چنین شرایطی را خواستاریم.

واقعیت آن است دانش آموزانی که ۲ سال صدای زنگ مدرسه را نشنیده اند فشارهای این چینی می تواند برای آنها مشکل ساز باشد. خانواده و اولیای مدرسه و دانش آموزان برای خروج از وضعیت کنونی می توانند با تعامل با یکدیگر از شرایط کنونی برون رفت کنند و داشتن برنامه های گروهی با رعایت پروتکل های بهداشتی، خلق فرصت های کارگروهی و حضور در محیط های عمومی می تواند در شرایط کنونی مسأله انطباق پذیری دانش آموزان را افزایش دهد.

سید حسن موسوی چلک؛ رییس انجمن مددکاری اجتماعی

- در ابتدای شیوع کرونا مردم همکاری و همدلی بیشتری داشتند، همبستگی بسیار بالا و سرگرمی های بیشتری وجود داشت اما به مرور زمان آن همبستگی ها و همکاری ها جای خودش را به تنهایی و گوشه نشینی داد.

- پژوهشی صورت گرفت و یکی از سوالات این بود که عمده ترین نگرانی های مردم چه هست؟ در آن پژوهش مردم پاسخ دادند که «مرگ عزیزان» عمده ترین نگرانی ما است.

- نیازمند بررسی سلامت روانی و اجتماعی دانش آموزان، معلمان، کادر درمان و... هستیم. از طرفی دیگر از حیث آموزش و اداره مدارس، باید آموزش های ما به سمت شادابی برود.

ایران در آستانه مواجهه با بحران پیری جمعیت

فرهنگ و اجتماع

کشورمان در حالی به سمت سالمندی پیش می‌رود که سایر کشورهای منطقه به سمت جوانی پیش می‌روند،

به طور حتم افزایش سالمندی جامعه با پدیده‌هایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سلامتی، خانوادگی و علمی همراه خواهد بود و مشکلات کشور را بیش از پیش خواهد کرد.

در صورت قرار گرفتن کشور در چاله جمعیتی، تا ۱۵۰ سال امکان خارج شدن از آن وجود ندارد در حال حاضر کشورمان با توجه به نیروی جوان و مولد در زمان پنجره جمعیتی که مدت آن ۱۵ سال است، قرار گرفته که از این زمان هشت سال آن گذشته و تنها هفت سال دیگر باقی مانده است. مقام معظم رهبری به صورت مستمر نسبت به موضوع جمعیت و ارائه راهکارهای مناسب در این زمینه تاکید دارند، موضوع بحران جمعیت با هیچ بحرانی قابل مقایسه نیست، بنابراین لازم است که این موضوع به صورت جدی به ویژه در حوزه بهداشت مورد توجه قرار گیرد. بحران کرونا به دلیل ملموس بودن شرایط، موجب شد که مردم همکاری موثری با حوزه بهداشت و درمان داشته باشند و حتی در مواردی مهم‌ترین و ضروری‌ترین برنامه‌ها برای حفظ سلامت مردم تعطیل شد، این در حالی است که موضوع بحران جمعیت برای عموم جامعه ملموس نیست و باید نگاه سیانت از جمعیت در میان فرهیختگان، دانشجویان، اساتید و افراد صاحب نظر ایجاد شود تا بتوان به شکل هدفمند و برنامه ریزی شده در این زمینه فعالیت کرد. در هشت سال گذشته کشورمان در بهترین و طلایی‌ترین شرایط در حوزه باروری قرار گرفته بود و این در حالی است که در این مدت ۳۰ درصد نرخ باروری و ۴۰ درصد نرخ ازدواج کاهش یافت، باید در فرصت هفت ساله باقی مانده، سالانه یک درصد نرخ جمعیت افزایش یابد تا بتوان با نرخ رشد ۲.۵ درصدی سالانه جمعیت، کشورمان را از مواجهه با بحران جمعیتی نجات دهیم.

در صورت قرار گرفتن کشور در چاله جمعیتی تا ۱۵۰ سال امکان خارج شدن از آن وجود ندارد. در حال حاضر کشور ما با توجه به نیروی جوان و مولد در زمان پنجره جمعیتی که مدت آن ۱۵ سال است، قرار گرفته که از این زمان ۸ سال آن گذشته و تنها ۷ سال دیگر باقی مانده است. باید در فرصت ۷ ساله باقی مانده، سالانه یک درصد نرخ جمعیت افزایش یابد تا بتوان با نرخ رشد ۲.۵ درصدی سالانه جمعیت، کشور را از مواجهه با بحران جمعیتی نجات دهیم.

منبع: خبرگزاری صدا و سیما، ۱۴۰۱/۲/۱۷

جمعیت و مساله چاله جمعیتی در ایران

فرهنگ و اجتماع

شاخص باروری کل در کشور اکنون ۱.۶۷ درصد است و رسیدن این آمار به کمتر از ۱.۵ درصد موجب ایجاد چاله جمعیتی می‌شود، رسیدن به شاخص ۱.۳ درصد منجر به ایجاد چاله جمعیتی می‌شود که خروج از آن بسیار دشوار خواهد بود.

در پنج سال گذشته شاخص باروری تمام استان‌های کشور ۲۰ درصد افت داشته است. فقط در سال ۹۹، ۲ استان رشد منفی نداشته‌اند. همچنین،

در ۱۰ سال گذشته به طور متوسط سالیانه ۲ درصد از جمعیت جوان کشور کاسته شده است،

به نحوی که جمعیت جوان از ۲۵ میلیون نفر در بازه زمانی اعلام شده به ۲۰ میلیون نفر رسیده است. جوانان متولد نیمه اول و دوم دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ به مرور زمان از سن جوانی که تا ۳۰ سالگی است، خارج شده‌اند.

در ۱۰ سال گذشته به طور متوسط ۲ درصد از جمعیت جوان کشور کم شده و رشد سالمندی در حالی که رشد جمعیت ما هم اکنون ۶۷٪ درصد است، بیش از ۳.۵ درصد بوده است، در سال ۱۴۳۰ مطابق نقشه جمعیتی سازمان ملل، کشوری خواهیم بود با ۹۵ میلیون جمعیت که نزدیک به ۳۰ میلیون سالمند خواهد داشت.

منبع: خبرگزاری مهر (۱۴۰۱/۲/۱۸)

چالش سالمندی؛ فرصت ۷ ساله برای نیفتادن در چاله جمعیتی

فرهنگ و اجتماع

مهم‌ترین تهدید آینده کشور، سالمندی است، همانطور که در کشورهای پیشرفته دنیا،

سالمندی را به عنوان یک فرصت برای کارآفرینی، گردشگری و... مورد توجه قرار می‌دهند،

ما اگر به طور جدی به موضوع سالمندی نپردازیم، در آینده با افزایش جمعیت سالمندی و رشد آن، این موضوع می‌تواند به جای فرصت، به بحران جدی برای دولت و نظام تبدیل شود.

بنابر آمارهای رسمی کشور، در سال ۱۳۹۵ تعداد سالمندان بدون همسر بالغ بر ۸۰ هزار نفر بود و این در شرایطی است که در گروه سنی ۴۰ الی ۶۰ سال یک میلیون و ۵۰۰ هزار مجرد هستند و آمار مجرد در گروه سنی ۳۱ الی ۳۹ سال بالغ بر ۴ میلیون نفر است.

منبع: خبرگزاری مهر (۱۴۰۱/۲/۱۸)

رشد جمعیتی ایران منفی نمی‌شود.

فرهنگ و اجتماع

اکنون میانگین سنی جمعیت ۳۳ سال است که بهترین سن باروری است. پیش‌بینی می‌شد در سال ۱۴۳۰ رشد جمعیت متوقف شده و بعد از آن منفی شود اما با این روند با گذشت ۱۰ سال ممکن است رشد جمعیت دیگر متوقف نشود. قبلاً پیش‌بینی شده که در سال ۱۴۲۰ نرخ افراد ۶۵ سال و بالاتر و زیر ۱۵ سال ما با هم برابر شود یعنی تا سال ۱۴۲۵ همچنان جمعیت افراد زیر ۱۵ سال ما بیشتر از جمعیت ۶۵ سال و بالاتر است. نرخ رشد جمعیت ایران حاصل مابه تفاوت تعداد موالید منهای تعداد افراد فوت شده در یک سال تقسیم بر جمعیت سال قبل است. بالاترین نرخ جمعیت ایران در سال ۱۳۶۵ در حدود ۳.۶ درصد بود. نرخ جمعیت در طول ۳۵ سال گذشته همواره روند کاهشی داشت تا اینکه به عدد هفت دهم درصد رسید اما سال گذشته این نرخ با نرخ سال قبل خود برابری می‌کند.

طبق پیش‌بینی‌های قبلی تا سال ۱۴۲۵، جمعیت بین ۱۵ تا ۶۵ سال کشور بیشتر از دو سوم جمعیت است اما ممکن است پنجره جمعیتی چند سال زودتر از این زمان، بسته شود. احتمال بسته شدن پنجره جمعیتی به دو دلیل اتفاق می‌افتد. نخست به علت افزایش سن امید به زندگی و بیشتر شدن جمعیت سالمندان است. دلیل دوم هم این است که اگر سیاست‌های تشویقی جمعیت اثر کند، موالید در سال‌های آینده ۱۵ سال طول می‌کشد که وارد سن کار شوند بنابراین ممکن است پنجره جمعیتی زودتر بسته شود اما در عوض اگر سیاست‌های جمعیتی موفق عمل کند، بعد از دوره ۱۵ ساله جمعیت مولد بالا می‌ماند. پنجره جمعیتی در سال ۱۳۸۵ باز بود. اهمیت نیروی مولد ایران در سود جمعیتی در اقتصاد طلایی و نیروی کار است. یعنی در سال ۱۳۸۵ بیشتر از دو سوم جمعیت، مولد و نیروی کار بودند. در حال حاضر جمعیت کل کشور برابر ۸۴ میلیون و ۹۷۳ هزار نفر است.

در چند سال اخیر میزان امید به زندگی افزایش یافته ولی زیرساخت جمعیتی فراهم نشده است، جمعیت سالمندی کشور از سال ۱۴۱۰ از آمار ۱۴ درصد عبور می‌کند و ایران یک کشور سالخورده می‌شود.

از نظر درصد جمعیت سالمندی بعد از استان گیلان، استان‌های مازندران با ۱۳.۲۶ درصد، تهران با ۱۲.۰۶ درصد و اصفهان با ۱۱.۹۱ درصد، سالمندترین استان‌های کشور به شمار می‌روند. همچنین از نظر تعداد سالمندان نیز بعد از استان تهران، استان‌های خراسان رضوی با ۶۵۸ هزار نفر، اصفهان با ۶۴۲ هزار نفر و فارس با ۵۴۹ هزار نفر سالمند هستند.

منبع: خبرگزاری فارس (۱۴۰۱/۲/۵)

آینده جمعیتی ایران با این شرایط تماشایی نیست.

فرهنگ و اجتماع

تغییرات جمعیتی که امروز شاهد آن هستیم حاصل روزگار گذشته بوده است که در حقیقت آینده‌ای را برای ما رقم خواهد زد که برای ما ناآشناست. با شرایط فعلی آینده جمعیتی ایران تماشایی نیست. سال ۹۸، ۱۷۰ هزار تولد کمتر از سال ۹۷ داشتیم و سال ۹۷ هم از سال ۹۶، ۱۲۰ هزار تولد کمتر بوده است. پس بنابراین روند نشان می‌دهد ما با کاهش جمعیت در آینده‌ای نه چندان دور مواجه خواهیم بود.

هیچ جمعیت‌شناسی امروز نمی‌تواند بگوید که ما به لحاظ جمعیتی وضع خوبی داریم؛ ما متأسفانه به لحاظ جمعیتی در وضع اسفناکی هستیم

وضعیت جمعیتی ما به صورت خالص سال گذشته با هفته‌ای حدود ۶ هزار و ۶۰۰ تولد، کمی بیش از ۳۰۰ هزار نفر تولد داشتیم در حالی که در سال ۹۷ یعنی فقط ۴ سال قبل با حدود ۱۹ هزار تولد در هفته، سالانه بیش از ۹۰۰ هزار نفر به جمعیت کشور اضافه شد. کاهش زاد و ولد و کاهش باروری بسیار جدی است و طی این ۴ سال میزان باروری و زاد و ولد ۲۵ درصد کاهش یافته است. عوامل متعددی بر کاهش زاد و ولد اثرگذار بوده است؛ تحولات اجتماعی و نگرشی یکی از عوامل عمده در بروز این کاهش زاد و ولد بوده است. ذات مدرنیسم به شکل‌گیری این نگرش منجر شده است. محصول مدرنیسم خانواده‌های کوچک‌تر و کاهش فرزندآوری و یا ازدواج نکردن است.

در روزگاری نه چندان دور فرزند موجب افزایش قدرت خانواده شده و آبروی اجتماعی محسوب می‌شد. اما امروزه فرزندآوری دیگر تأمین‌کننده نیازی از خانواده‌ها نیست. اگر دیروز فرزندان ارث ساز بودند امروز بچه‌ها ارث خور هستند.

نگاه جامعه به فرزندآوری تغییر کرده است؛ نگاه به باروری خیلی مهم است ناامیدی روزافزون نسبت به آینده طبیعتاً اثرگذار است. مهمترین عاملی که به نظر به کاهش زاد و ولد منجر شده است بلا تکلیفی مردم نسبت به آینده خصوصاً در زمینه‌های اقتصادی است. مردم شاهد بدعهدی

برخی مسئولان و بی وفایی دولت‌ها بوده‌اند. حجم ورودی دانشگاه‌ها با میزان استخدام و اشتغال فارغ التحصیلان متناسب نبوده است. نمی‌توان دلایل اقتصادی را تنها علت کاهش زاد و ولد دانست؛ امروز خانواده‌هایی وجود دارند که به لحاظ اقتصادی وضع خوب دارند؛ اما اقدام به فرزند آوری نمی‌کنند. تغییر نگرش خانواده‌ها به فرزند آوری، کاهش رشد اقتصادی، بیکاری و مشکل مسکن از جمله موارد اصلی کاهش زاد و ولد است.

منبع: خبرگزاری مهر (۱۴۰۱/۱/۳۱)

حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی

- روح بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی؛ عبارت از خوش بینی، امیدبخشی، ایمان به خدا و اعتماد به امت و نگاهی به تاریخ گذشته و امکانات امروز و چشم‌انداز آینده است.
- رونق معنویت در میان جوانان در سال‌های پس از انقلاب را باید در زائران مکه، کربلا، مشهد و جمران و شرکت در مسابقات دینی و حضور در اردوهای جهادی و پیاده روی اربعین و دل‌کندن از پدران و مادران و همسران با حضور در جبهه‌ها و شکرگزاری خانواده شهدا از اینکه عزیز خود را در راه خدا داده‌اند، پیدا کرد.

آیت‌الله اعرافی؛ عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی

- نادیده گرفتن نقدها نادرست است، اما چشم پوشاندن نسبت به دستاوردهای نیز خطرناک است، برای جهاد تبیین فرد و جامعه باید با به‌کارگیری همه ابزارها قیام کنند و این وظیفه شرعی، اخلاقی و انقلابی است
- در برخی مراسم‌های کشور و به ویژه جشنواره فجر اتفاقاتی رخ داد که شایسته نبود و در برخی موارد عذرخواهی‌هایی کردند که در حد آن حرمت‌شکنی‌ها نبود.

دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی

- برای شرکت‌های دانش‌بنیان باید ضوابط کیفی تعیین بشود؛ این جور نباشد که فلان شرکتی که با فناوری چهل سال پیش دارد کار می‌کند، بیاید به عنوان شرکت دانش‌بنیان ثبت نام کند.
- شرکت‌های دانش‌بنیان در جهت حل مسئله باشند؛ ما مسائل اقتصادی مشخصی در کشور داریم؛ این شرکتها متوجه به حل مسئله باشند، گره‌گشایی داشته باشند، برطبق نیاز به وجود بیایند یعنی نیازسنجی بشود در مورد این شرکت‌ها.

- در شرکت های دانش بنیان این جهت رعایت بشود که یا امنیت اقتصادی کشور در گرو آنها است، یا ظرفیت بالایی از نیروهای متخصص و غیر شاغل را دارند.

حسین تدین؛ عضو پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- از سیاق قرآنی چنین به نظر می رسد که پیش شرط اصلی تشکیل تمدن نوین اسلامی، «الفت اجتماعی» است.
- مرحوم فیض در رساله «الاعتذار» ضرورت حفظ انتظام و الفت اجتماعی مومنان را به سیره امام علی علیه السلام در واگذاری امر حکومت به خلیفه اول مستند کرده بر این باور است که امام این امر را به آنها واگذار کرد تا وحدت کلمه مسلمانان فرو نپاشد.
- این پنج مولفه یعنی؛ از میان رفتن تهدید دشمن خارجی، تعلق سرزمینی، تعلق دینی، اقتصاد قوی و امنیت، در اصل سنگ بنای اولیه ایجاد الفت اجتماعی در جامعه هستند.

علی قجری؛ دبیر ستاد جهاد تبیین وزارت عتف

- ما بحمدالله تحریمها را بی اثر کردیم؛ با شرکتهای دانش بنیان فراوان، حرکت عظیم جوانان، ابتکارهای گوناگون در این زمینه
- نگاه به نخبگان، در این جهت هم مورد اهتمام قرار میگیرد و نکتهی اساسی ای است؛ تأثیر [نخبگان] در برنامه ریزی برای مسائل کشور
- چنانچه این حرکت علمی با همین حواشی و دنباله هایی که دارد ادامه پیدا بکند - که یکی از آنها تشکیل همین شرکتهای دانش بنیان و روی آوردن به اقتصاد دانش بنیان [است] اینها از لوازم این حرکت علمی است که بحمدالله بتدریج راه افتاده است - کشور نجات پیدا خواهد کرد.

حجت الاسلام علیرضا پیروزمند؛ مسؤول گروه روش دفتر فرهنگستان علوم اسلامی

- اهمیت ترک فعل برای دشمنان و رقیبان سیاسی کشور است که همین اندازه برایشان اهمیت دارد که رقیب آنها کاری را که باید موقعی انجام دهد، انجام ندهد یا اصلاً توجه نکند که باید انجام دهد.

- ترک فعلی که رهبری توجه دادند؛ که متمم اصل ۴۴ قانون اساسی این گونه که انتظار داشتیم اتفاق نیفتاد به همین دلیل مشارکت مردم در حوزه اقتصاد درست شکل نگرفت.
- شعاع این ترک فعل‌ها را اگر نگاه بکنیم می‌بینیم عرض گسترده‌ای است و گاهی گسترده‌تر و وسیع‌تر از فعل‌هایی که اشتباه بوده و آسیب زده است.

عبدالحسین کلانتری؛ معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت عتف

- جهت‌گیری مهم دیگری که در دستور کار فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها قرار گرفته است، توجه توأمان به تمامی ذی‌ربطان در برنامه‌های فرهنگی یعنی اساتید، کارکنان و دانشجویان است.
- آیین‌نامه ارتقا و حتی شاخص‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در حال بازنگری است و مسئولیت اجتماعی نقش کلیدی و مهمی در این آیین‌نامه‌ها ایفا خواهد کرد.
- دانشگاه نماد بارز شعار «ما می‌توانیم» است و با گره‌گشایی خود می‌تواند امید را در دل‌های مردم کشور زنده کند. انقلاب به دانشگاه هویت، جهت، معنا و استقلال داد و دانشگاه نیز در مقاطع مختلف سعی کرده است تا در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب و مردم مظلوم ایران بکوشد.

حجت‌الاسلام احمد شرفخانی؛ رییس مرکز امور خیریه سازمان اوقاف

- شاهدیم که برخی از شرکت‌ها و کارخانه‌ها اصطلاحاً در جای دیگری فقر ایجاد می‌کنند و سپس در قالب یک مؤسسه خیریه، به انفاق و نیکوکاری اقدام می‌کنند.
- اگر بخواهیم امروز، گفتمان جهان اسلام را در عرصه‌های فردی و اجتماعی و در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیان کنیم، بهترین گفتمان، گفتمان اخلاق است.
- رسیدگی به امور مسلمین، نیازمندان و حاجتمندان، یکی از نیازهاست، البته اصل احسان و نیکوکاری نباید به گونه‌ای باشد که به ایجاد فقر در جامعه دامن بزنیم و بعد تلاش کنیم برای رسیدگی به نیازمندان

مجتبی نامخواه؛ پژوهشگر و دانشجوی دکتری باقرالعلوم

- بازسازی انقلابی ساختار فرهنگ می‌خواهد میان راه‌حل‌های اصلاح‌گرایانه خرد و یک راه‌حل بنیادین، تفکیک قائل شود منظور از بازسازی انقلابی، یک بازسازی بنیادین است.

- مفهومی «حک‌شدگی» که اشاره به این واقعیت دارد که اقتصاد باید در دل مناسبات اجتماعی با فرهنگ، سیاست و جامعه درهم‌تنیده باشد و اگر به عنوان یک خرده‌نظامی مستقل از منطق جامعه عمل کند، نظام سرمایه‌داری شکل می‌گیرد.
- به نظر می‌رسد آنچه ساختار فرهنگی را در وضعیت نامطلوب فعلی قرار داده است، مسئله کلانی با عنوان فاصله بین فرهنگ و امر مدنی یا به عبارتی، فاصله میان فرهنگ و جامعه است.

فردین علیخواه؛ استاد دانشگاه گیلان

- اغلب ما این روزها مدام از زود سپری شدن زمان عصبانی می‌شویم. پیوسته شکایت داریم که چرا زمان این قدر سریع می‌گذرد. به قولی، «چشم روی هم می‌گذاری زمان مثل باد می‌آید و می‌رود».
- سرعت، عنصری اساسی در زندگی امروز ما شده است ما به آنچه شکایت داریم خو گرفته‌ایم.

مهدی گلشنی؛ استاد دانشگاه

- قرار شد در دانشگاه صنعتی شریف مرکزی ایجاد کنند که زمینه را برای ادامه تحصیل دانشجویان در خارج فراهم کند. نامه‌ای به دکتر غلامی (وزیر علوم وقت) نوشتم که اجازه ندهید این کار در دانشگاه انجام شود؛ یعنی جایی در دانشگاه ایجاد شود که این کار (مهاجرت) را ترویج می‌کند.
- وقتی معاون وقت بین‌الملل وزارت علوم صریحاً پُز می‌داد که این تعداد قرارداد با دانشگاه‌های خارج داشته‌ایم، وقتی وزارت علوم به دانشگاه‌ها ابلاغ می‌کند که اگر استاد مقاله نوشت و در مقاله، اسم یک استاد خارجی را هم بود، امتیاز مقاله بیشتر است، دیگر چه انتظاری دارید؟

زهرا کلاهدوز؛ مدیر عامل شرکت دانش بنیان امین

- برخی صنایع و علوم مثل بیوتکنولوژی، پزشکی و داروسازی به سرعت روند رو به رشد خود را سپری می‌کنند که فرصت مناسب به حساب می‌آیند. این شرایط می‌تواند زمینه مناسبی برای ارائه محصول و تولید سرمایه باشد.
- اگر نخبگان تنها به امید حمایت‌های دولتی به ایران بازمی‌گردند، باید درباره برچسبی که به آنها می‌زنند شک کرد. کسانی که مدعی داشتن یک توانایی هستند باید این ادعا را هم داشته باشند که بدون حمایت‌های خاص یا جداسازی عناوین هم بتوانند کاری انجام دهند.

- بررسی اکوسیستم استارت‌آپ‌ها نشان می‌دهد برخی از نهادها که در گذشته تنها خواهان مقالات علمی بودند، رویکرد خود را تغییر داده‌اند. منظور این است، اغلب اوقات از مقالات علمی حمایت نمی‌کنند.

سید حسن موسوی چلک؛ رییس انجمن مددکاری اجتماعی

- در ابتدای شیوع کرونا مردم همکاری و همدلی بیشتری داشتند، همبستگی بسیار بالا و سرگرمی‌های بیشتری وجود داشت اما به مرور زمان آن همبستگی‌ها و همکاری‌ها جای خودش را به تنهایی و گوشه نشینی داد.
- پژوهشی صورت گرفت و یکی از سوالات این بود که عمده ترین نگرانی‌های مردم چه هست؟ در آن پژوهش مردم پاسخ دادند که «مرگ عزیزان عمده ترین نگرانی ما است.
- نیازمند بررسی سلامت روانی و اجتماعی دانش آموزان، معلمان، کادر درمان و... هستیم. از طرفی دیگر از حیث آموزش و اداره مدارس، باید آموزش‌های ما به سمت شادابی برود.

محمد حسین بانکی پور؛ رییس کمیسیون طرح جوانی جمعیت و خانواده مجلس شورای اسلامی

- در صورت قرار گرفتن کشور در چاله جمعیتی تا ۱۵۰ سال امکان خارج شدن از آن وجود ندارد. در حال حاضر کشور ما با توجه به نیروی جوان و مولد در زمان پنجره جمعیتی که مدت آن ۱۵ سال است، قرار گرفته که از این زمان ۸ سال آن گذشته و تنها ۷ سال دیگر باقی مانده است.

سید حامد برکاتی؛ مدیرکل دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت

- شاخص باروری کل در کشور اکنون ۱.۶۷ درصد است و رسیدن این آمار به کمتر از ۱.۵ درصد موجب ایجاد چاله جمعیتی می‌شود، رسیدن به شاخص ۱.۳ درصد منجر به ایجاد چاه جمعیتی می‌شود که خروج از آن بسیار دشوار خواهد بود.

احمد دلبری؛ رئیس مرکز تحقیقات سالمندی دانشگاه توانبخشی و سلامت اجتماعی

- سالمندی را به عنوان یک فرصت برای کارآفرینی، گردشگری و... مورد توجه قرار می‌دهند.

حسام‌الدین علامه: رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندی

- طبق پیش‌بینی‌های قبلی تا سال ۱۴۲۵، جمعیت بین ۱۵ تا ۶۵ سال کشور بیشتر از دو سوم جمعیت است اما ممکن است پنجره جمعیتی چند سال زودتر از این زمان، بسته شود.

علی پڑهان؛ استاد دانشگاه

- عوامل متعددی بر کاهش زاد و ولد اثر گذار بوده است؛ تحولات اجتماعی و نگرشی یکی از عوامل عمده در بروز این کاهش زاد و ولد بوده است

دیپراه، گزارشی است که ماهانه از اهم دیدگاه صاحب‌نظران (یادداشت، سخنرانی و گفتگو) در خصوص مسائل فرهنگی و اجتماعی تهیه می‌شود. این دیدگاه‌ها در رسانه‌ها و درگاه‌های سازمانی منتشر شده‌اند و دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی تلاش می‌کند منتخبی از آن‌ها را در اختیار مخاطبان خود قرار دهد.

این دفتر کوشیده است دیدگاه‌های مهم را پوشش دهد و قطعاً گاستی‌های آن، با اعلام نظر همکاران مرتفع خواهد شد.